

## علیه سیاست

### به آتش کشیدن روستاها

### به مبارزه برخیزیم!

صفحه ۲

اخبار  
 عملیات  
 پیشمرگان  
 فدائی

\* طی پانزدهمین عملیات هماهنگ در تاریخ ۲۹ تیرماه پیشمرگان فدائی ضمن بستن انداختن عدای از سردوران تاسین پایگاه "سه ریزه" و همین گداری محل تردد آنها بخشی از تاسیسات پایگاه "سه ریزه" را ترمیم گوییدند.

\* روز ۲۷ تیرماه پیشمرگان فدائی با نفوذ در منطقه تحت الحفاظ دشمن، مسزدریان تاسین جاریه "کاتی بی - برده بیک" را مورد حمله جسورانه خود قرار داده و عده ای از آنها را به قتل رسانیدند.

صفحه ۴

### سرمقاله

### بهران مناسبات سیاسی در کردستان

### و نقش حزب دمکرات در آن

مساله مناسبات فیمابین نیروهای سیاسی در کردستان، امروز به مساله گروشی جنبش انقلابی خلق کرد بدل گشته است که در گسسته های کنونی حزب دمکرات و کومه له یکی از وجوه اساسی این مناسبات و نقطه تقابل اساسی آن است. در گسسته های که در طول شرفیاب گذشته بلا انقطاع ادامه داشته و دارد و هیچگونه چشم انداز روشنی نیز برای پایان دادن به آنها وجود ندارد، بلکه بالعکس در فقدان یک سرخورد اصولی و دمکراتیک به مسائل مربوط به این درگیرها از سوی برخی نیروها، حوزه شمول تهمات ناشی از این تداوم ایستاده از محسوسه دونیروی مذکور فراتر رفته، خود به عرصه سرخورد های گسترده تفسیری مناسبات فیمابین نیروهای سیاسی بدل گردیده است. در حقیقت گسترش روز افزون درگیرهای کنونی، اینکه خود به عاملی برای تشدید وضعیت حاکم بر عرصه سیاسی کردستان نیز بدل شده است.

### درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

### موضع اپورتونیستی راه کارگر

تداوم درگیریهای حزب دمکرات و کومه له در حقیقت امروز به سه یکی از مهمترین مسائل حاد جنبش انقلابی خلق کردستان بدل شده است. این که ادامه این درگیریها در شرایط کنونی به منافع حیاتی جنبش انقلابی خلق کردستان تداوم درگیریهای وارساخته و بهاری از دستاوردهای آن را لگدمال می کنند کم و بیش مورد انظار اکثریت نیروهای سیاسی موجود در کردستان بوده و هست. ولی این واقعیت که کدام نیرو و از چه طریقی به ادامه کدام سیاسی لطافت جبران ناپذیری وارساخته و بهاری از دستاوردهای آن را لگدمال می کنند کم و بیش مورد انظار اکثریت نیروهای سیاسی موجود در کردستان بوده و هست. ولی این واقعیت که کدام نیرو و از چه طریقی به ادامه کدام سیاسی

### در این شماره

### نگاهی به

### مبارزات توده ای

در کردستان (مستاد سال ۶۲)



\* اخبار جنبش توده ای

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه یه

انصفحه ۱

### بحران مناسبات ...

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون حل مسئله اقتصادی و قطعی این ساله، جلوگیری از وخامت بیشتر وضعیت تا سامان کنونی در مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی امکان پذیر نیست. ما را آن که ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک در مناسبات متقابل نیروها، تحت هر مستحکم و عنوانی زیر پا گذاشته نشود، برخوردارهای غیر اصولی و ضد دمکراتیک و نهایتاً توسل به اسلحه جایگزین هرگونه برخورد دمکراتیک با سوازی انقلابی جنبش گردد، طبیعتاً امیدى به پایان یافتن درگیری های خونین کنونی و حل مشکل موجود در عرصه روابط میان نیروها نمی توان داشت. در چنین صورتی آنچه که بیش از همه محتمل است، وخامت هرچه بیشتر اوضاع کنونی، کاهش روز افزون به سوی قطعی شدن ناگزیر جنبش است. تحمیل چنین شرایط پیشروی بر جنبش کنونی، طبیعتاً تاسیح زبانبار خود را در ابعاد بسیار گسترده تر از آنچه که در شش ماه گذشته آشکار ساخته است، بر جای خواهد گذاشت و لطامات خیران ناپذیری را بر روند کنونی جنبش وارد خواهد نمود.

اما گسره اصلی کجاست و چه کسی مسئول چنین وضعیتى است.

بدون هیچ تردیدی باید گفت که حزب دمکرات گردستان با عدم پذیرش هرگونه آتش بسى و تاکید بر پیش شرط های غیر اصولی خود، در امر خاتمه دادن به درگیری ها کنونی، تا به حال نقش اصلی را در ادامه وضعیت کنونی داشته است. و امروز نیز با ادامه سیاست خود در قبال درگیری های خود به گونه ای که گسترش حوزه نفوذ آن به تمام گوناگون به معنوی فعالیت دیگر نیروها، عملاً راه هرگونه برخورد اصولی با مداخلات کنونی را نه تنها سدود کرده است، بلکه در مدد هرچه وخیم تر نمودن اوضاع نیز هست. حزب دمکرات در این زمینه آن چنان پیش تاخته است که به جای برخورد سیاسی به سوازی نیروهای انقلابی در مورد سیاست های خود، فریبکار

هست من مبارز در محیط فعالیت سیاسی و نظامی گردستان سردار است. و علناً بی نظاری خود را به ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک توده ها از قبیل آزادی بیان و عقیده، با وضوح کاملی آشکار ساخته است. امروز دیگر روشن شده است که حزب دمکرات نه تنها تمایلی به پایان دادن به درگیری های کنونی ندارد، بلکه پیش از همه و با هر بهانه ای به دنبال گسترش حوزه نفوذ آنها نیز هست. حزب دمکرات، به معنوی قرار دادن خود، به سه شک و سست کردن نیروها پرداخته است، دست به تهدید و اوجاب مخالفین سیاسی خود در گردستان زده است. افکار آنها را پسا پساداران و فاطمین بهم یکی دانسته، این مجوز را صادر کرده است که پیغمبران حزب امکان هرگونه عملی را از آنها سلب نمایند و به تهدید حزب دمکرات مبنی بر بیرون راندن آنها از گردستان انقلابی، جاسه عمل بپوشانند. تاکنسی جرات مخالفت با حزب دمکرات و تبلیغ علیه سیاست های او را نداشته باشد این عین دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات، این مدعی دمکراسی برای ایران است که امروز در گردستان انقلابی در مدد اجرای آن می باشد. حزب دمکرات با زور و تهدید و اوجاب، می خواهد نیروهای انقلابی را رادار به حرکت کند و تصور می کند که قادر است چنین محال و خواب و خیالی را به انجام برساند. دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات، دمکراسی زور و تهدید از يك سوازی است، چاکر منشی از سوی دیگر است. حزب دمکرات دمکراسی را تنها در الطافی می بیند که از طریق خود او شامل حال این پسا آن نیروی سیاسی مورد تائید او می گردد. دمکراسی حزب دمکرات، فاقد هرگونه تعهدی برای آراء و عقاید نیروهای دیگر در مخالفت با سیاست ها و اهداف و برنامه های حزب دمکرات است.

نگاهی به آخرین ارزیابی حزب دمکرات از نیروهای سیاسی و سیاست اعلام شده حزب دمکرات در برخورد به آنها، این واقعیت را هرچه بیشتر روشن می سازد.

حزب دمکرات در آخرین برخورد خود با نیروهای سیاسی، آنها

را " طبق تحلیل ها و سوازیمنان نسبت به حزب دمکرات " بطور کلی به سه دسته تقسیم می کند. دسته اول را از نظر حزب دمکرات نیروهای مثل گروه له تشکیل می دهند که سیاست حزب دمکرات در قبال آنها روشن نشده است. دسته دوم نیروهای مورد تقسیم حزب دمکرات را کسانی تشکیل می دهند که حزب دمکرات را به عنوان رهبر جنبش ملی و سوازی گردستان شناخته ... و سوازی حزب روابط نزدیکی دارند. اما روی سخن حزب دمکرات در آخرین سوازیگیری خود با دسته سومى از نیروهاست که به اقتضای حزب دمکرات:

**" ظاهرآ مانند گروه له خود را دشمن حزب دمکرات معرفی نمی کنند لیکن خود را دوست و همکار حزب نمی نامند."**

و در پاسخ حزب دمکرات اعلام می دارند که: با اجازه حزب دمکرات یا هیچ کردیگر به فعالیت و مبارزه دست نزده اند و اصل حساب بر دادن به حزب دمکرات و امثالهم نیستند.

و دوست این دسته از نیروها نیز هستند که امروز به سوازیگیری صریح خود، کاسه صبر حزب دمکرات را لبریز کرده اند و او را مجبور به توضیح و تشریح دمکراسی خود نموده اند.

حزب دمکرات نظر خود را در مورد این دسته از نیروها در دو نکته خلاصه کرده است:

(۱) این دسته باید انتظار هیچگونه همکاری از حزب نداشته باشند. به هیچ وجه نباید با پیغمبران حزب همراه گردند. و در کنار قهرهای حزبی به ایجاد مقر دست بزنند.

(۲) در هر حال باید بپذیرند که گردستان میدان بی صافی نیست ... هر فعالی در

گردستان باید در جهت منافع و مصالح و مطابق مهمل و اجازه مردم گردستان باشند ... باید بدانند که در گردستان حزب دمکرات بزرگ ترین و چشم گیر ترین نماینده مردم گردستان است ... اگر در صفحه ۱۹

# علیه سیاست

## به آتش کشیدن روستاها

### به مبارزه برخیزیم!

نموده و نیست، به ویژه در فصل سرما قطعا رژیم قادر نیست نیروهایش را در این گونه مناطق کوهستانی و زیر ضربات کوبنده پیشمرگان دلیس خلق کسر و حفظ نماید. همین واقعیت نیز رژیم را به اجرای چنین سیاست درمناقصه ای کشانده است. سیاستی که همپون تمامی سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم علیه زحمتکشان خلق کرد، معلوم به شکست قطعی است.

این امر امروز دیگر بر همگان روشن شده است کشته رژیم جمهوری اسلامی که تنبها با تمامی ساز و برگ نظامی خود، بلکه با تمامی سیاست های درمناقصه خود در طول شش سال گذشته، توانسته است کوچکترین موفقیتی در تحقق اهداف ارتجاعی خود در کردستان بدست آورد. همیشه و در همه حال، حتی در مهمزترین با یگانها و پادگان های نظامی خود نیز یک لحظه از ضربات برق آسا و سرکبار و همیشگی پیشمرگان قهرمان خلق کرد، در امان نمانده است. وحشت و هراس از سرگ، هر روز و هر لحظه چون سایه مزدوران رژیم را در اقصای نقاط کردستان تعقیب نموده و می نماید. در حقیقت می توان گفت، رژیم با اعمال چنین سیاست های علیه زحمتکشان روستاهای کردستان، در صدد اتمام کشتی از جنبش انقلابی خلق کرده و جبران شکنجهای خود، در طول شش سال گذشته است. رژیم جمهوری اسلامی امروز با آتش زدن روستاهای مقاوم کردستان، در صدد آن است که اهالی زحمتکش این روستاها را از حمایت پیشمرگان و پافشاری بر اهداف انقلابی و دستراتیک خود، باز داند و وادار به تمکین به سیاست های ارتجاعی خود نماید. و در اراده و عزم استوار این زحمتکشان در پافشاری بر اهداف انقلابی جنبش در کردستان خلقی ایجاد نماید. ولی بر هیچ کس پهنیده نیست، سردمی که اینک پیش از شش سال است در مقابل انواع و اقسام فشارهای رژیم جمهوری اسلامی اسم از معاصره اقتصادی نوب و ضمیمه باران و... بنا سری افسرانته از ارمان های خود در صغحه ۲۱

هرچه سریعتر، خانه و کاشانه خود را ترک نمایند.

در منطقه مهاباد نیز، مزدوران رژیم با پیورش به روستاهای چوارگرا بعد از غارت خانه و کاشانه اهالی این روستا را به آتش کشیده اند.

رژیم جمهوری اسلامی با اجرای چنین سیاست درمناقصه عجز و ناتوانی خود را در مقابل اراده آهنین زحمتکشان روستاهای مقاوم کردستان به نمایش گذاشته است. این رژیم ارتجاعی هر کجا که قادر نیست کنترل سرکوبگرانه خود را اعمال نموده، و یا مدت طولانی یا تمام ساز و برگ نظامی خود در آنجا حضور پیدا کند، دست به اعمال چنین سیاستی می زند. بسیاری از روستاهای که اینک طعمه حریق گشته اند و اهالی زحمتکش آنها آواره گویا شده اند، همگی در مناطقی قرار دارند که رژیم به راحتی قادر به کنترل آنها نبوده و نیست و در حقیقت، مزدوران سرکوبگر رژیم دست به اتمام کشتی از زحمتکشان چنین مناطقی زده اند.

برای نمونه می توان گفت که روستاهای منطقه که لی به رده روش را رژیم جمهوری اسلامی تنها به کک ارتش ترکیه و با عملیات هماهنگ نظامی در دولت ارتجاعی در شمال کردستان ایران، توانست همین چند ماه پیش تحت کنترل بگیرد و تا به امروز مزدوران رژیم علیه فرم تمامی یورش های شکست خورده خود، توانسته بودند. به تسخیر این روستاها موفق گردند. بدیهی است که حفظ و کنترل بر این روستاها نیز بر سر مزدوران رژیم چندان ساده

روز ۲۱ تیر ماه، مزدوران سرکوبگر رژیم سرکب از جایی ها با سرداران و ارتشی ها طی یک پدوش هم جانبی به روستاهای شرمین که لی به رده روش اهالی این روستاها را به زور سر نیزه و قصدای تنگ از خانه و کاشانه شان بیرون رانده، هر دو روستا را بعد از تخلیه از اهالی به آتش می کشند. و اهالی زحمتکش این روستاها را بدون هیچ گونه سلبه زندگی و سرپناهی آواره گویا و روستاهای اطراف نموده، به اهالی چند روستای دیگر در این منطقه نیز اخطار می دهند که هرچه سریعتر، خانه و کاشانه خود را ترک نمایند.

این اولین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی در کردستان دست به چنین اقدامات جنایتکارانه ای می زند، ولی اخیرا اعمال این سیاست ارتجاعی در اقصای کردستان ایحاد وسیعی به خود گرفته است. مزدوران رژیم در اجرای همین سیاست ارتجاعی طی یک ماه گذشته تنها در منطقه ارومیه علاوه بر روستاهای فوق چند روستای دیگر از جمله روستاهای کچکاران، چوسی، کاولان، دهان، نامرآباد، لوشان را نیز به آتش کشیده اند.

علاوه بر منطقه ارومیه در تاریخ ۲۹ خرداد ماه نیز مزدوران رژیم در نقطه کوهستانی هلی کوپتر به منطقه کوهستانی پیرشاخان پیورش آورده، پس از آتش زدن محصولات و موارد سوختی اهالی روستاهای بازرگان، در این منطقه، از اهالی زحمتکش دیگر روستاهای این منطقه نیز خواسته اند که

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

# پیشمرگان فدایی

## طی یک رشته عملیات هماهنگ

### ضربات خردکننده‌ای به مزدوران پایگاه "سهریه‌رد" وارد آوردند

خودبینانان در این عملیات قهرمانانه که به گفته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای دشمن و منهدم شدن بخشی از پایگاه سهریه‌رد انجامید کمترین آسیبی به پیشمرگان سازمان وارد نیامد.

عصر همان روز نیز در اثر انفجار بخشی دیگر از مجموعه مین های کار گذاشته توسط رفقای پیشمرگ سازمان در نزدیکی پایگاه سهریه‌رد، یکی از مزدوران دشمن به هلاکت رسید. با انفجار این مین دشمن هرآنکه از حمله مجدد پیشمرگان با دیگر تسلیحاتی صیقل یافته و سلاحهای آرمی جی ۷ می‌گویی در جرات بیرون آمدن از پایگاه را نداشت.

#### عملیات کمین گذاری

#### پیشمرگان فدائی

درجاده "برده یوک - کانی بی"

روز ۲۷ تیرماه یک واحد از پیشمرگان فدائی درجاده "کانی بی - برده یوک" به کمین مزدوران تانک جاده نشست و راس ساعت ۱۰:۰۰ تعدادی از مزدوران را غافلگیری نمایند. رفقای پیشمرگ که تا ۱۰ ضری مزدوران پیشرفته بودند مزدوران تانک جاده را زیر آتش مسلسلهای خود می‌گیرند، که دو نفر از آنها در دم به هلاکت رسیده نفر سوم زخمی شده و به کنار جاده می‌افتد.

با شروع تیراندازی رفقای پیشمرگ، دیگر مزدوران روزم نیز متوجه حمله پیشمرگان قهرمان فدائی شده، وحشت زده به گلوله باران محل درگیری می‌پردازند. شدت آتش مزدوران روزم به حدی بود که رفقای علی‌رغم تسلط بر محصل درگیری از آوردن اسلحه مزدوران به هلاکت رسیده صرف نظر نموده و بعد از انجام موفقیت آمیز عملیات سالم به محل های از قبیل تعیین شده باز می‌گردند.

کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۵/ تیرماه / ۶۴



روز ۲۸ تیرماه پیشمرگان قهرمان فدائی با انجام یک رشته عملیات هماهنگ شامل عملیات کمین گذاری کمین و حمله به پایگاه مزدوران تعدادی از مزدوران سرگورگ مستقر در پایگاه سهریه‌رد با سه به هلاکت رسانده و بخشی از پایگاه مزدور را در هم کوبیدند.

در همین روز دسته ای از پیشمرگان سازمان محل استقرار گروه تانک پایگاه "سهریه‌رد" را سلطنتی پیش از استقرار مزدوران این پایگاه کمین گذاری کرده و به کمین آنها نشستند. در هماهنگی با این رفقای دسته ای دیگر از پیشمرگان از ساعات ۳ با مدار جهت حمله به پایگاه اصلی "سهریه‌رد" در نقطه ای نزدیک آن استقرار یافتند و تحرکات دشمن در این پایگاه را زیر نظر گرفتند.

ساعت ۷ با مدار که مزدوران گروه تانک جهت عزیمت به محل استقرار خود از پایگاه خان شده بودند. در نزدیکی محل تانک به کمین پیشمرگان فدائی افتادند و با آتش بی امان مسلسلهای آنان که از هر طرف بر رویشان می‌بارید مواجه شدند. در همین زمان یکی از مزدوران سرگورگ که برای استفاده از موفقیت مناسب جهت تیراندازی و مقابله با رفقای ما خود را به سنگر تانک رسانده بود، روی یکی از مین های کار گذاشته شده رفت و با انفجار این مین مزدوران به کلی قدرت هرگونه ابتکار عمل و حرکتی را از دست دادند. همزمان با این عملیات

قهرمانان فدائی دیگر از پیشمرگان فدائی که از ساعت ۳ با مدار در نقطه ای نزدیک به پایگاه اصلی سهریه‌رد مستقر شده بودند، با شلیک موشک آرمی جی ۷ و گشودن سلاحهای سنگین و نیمه سنگین خود بر روی پایگاه عملیات ضربتی خود را آغاز کردند. طی بیش از نیم ساعت که کلیه مراکز حیاتی پایگاه مزدور نیز ضربه خورده سلاحهای پیشمرگان قهرمان فدائی قرار داشت، دشمن کاملاً غافلگیر شده و فرصت واکنش و مقابله با آنها را نداشت. پیشمرگان فدائی بعد از در هم کوبیدن مواضع مهم دشمن در این پایگاه با موفقیت کامل عقب نشینی کردند. در این زمان رفقای گروه کمین نیز که مأموریت ضربه زدن به مزدوران تانک را با پیروزی پایان رسانده بودند، با آرایش لازم به مواضع تعیین شده خوش عقب نشینی کردند، و به دیگر رفقای قهرمان خود پیوستند. زحمتشان روستاهای منطقه که از نخستین شلیک همراهِ گوش بزرگ تاج عملیات پیشمرگان انقلابی این سرزندان دلیر خورشید، با آغوش باز و به گرمی از پیشمرگان سازمان استقبال کردند و ایشان را خیمه عملیات موفقیت آمیز آنان را سینه به سینه می‌گردانند. مزدوران سرگورگ رژیم پس از عملیات جورانه پیشمرگان سازمان روانه و زمین تا آسمان را از آنکه رفقای منطقه درگیری انصراف کرده بودند، همچنان اطراف پایگاه خود را چهارم آنان می‌گردانند و دیوان وار نیز شلیک سلاحهای سنگین گرفته بودند.

## درگیریهای حزب دمکرات و کومه له



# موضع اپورتونیستی راه کارگر

گردیده اند و منقما بسیاری از دستاوردهای پیروزانند آن را لگد مال می کنند. این درگیریها پیش از همه به زبان طبقه کارگر و منافع و اهداف آن در جنبش کمونیستی عمل می کنند.

هر دو طرف درگیری یعنی حزب دمکرات و کومه له هر کدام تحلیل خود را از این درگیریها دارند. کومه له با ارزیابی تقابل پروتاریا و سوسیالیسم خودی در کردستان به اتخاذ سیاست در قبال این درگیریها پرداخته است. و با سیاست های معمول خود در این توهم است که نماینده پروتاریا و سوسیالیسم است. این تقابل هرچه بیشتر شد در با تحولات پروتاریا خودی را اجتناب می کند. طبیعی است که سیاست کومه له امروزه در حصر و نه در عمل سیاست پروتاریا نمی تواند باشد و در این که کومه له تا چه حد در اینگونه برخورد های خود حق است ما سخن بسیار گفته ایم. اما حزب دمکرات جدا از برخوردهای غیر سیاسی، در مقابله تبلیغاتی با کومه له تا کنون تلاش نموده است ثابت کند که در جنبش کردستان طبقه کارگری وجود ندارد. با این منطق هم طبقه رفته و معنی نموده است اثبات نماید که بناچار کومه له قسم نمایندگی طبقه کارگر نیست در همان کاری که به خود یکی را افکار حزب بدان دست یازیده است. حزب دمکرات بارها اعلام داشته است که حزب کومه له حزب بورژوا ملاکان و دست پرخت رهبران تا آشنا با وضعیت کردستان و یک قارچ موسمی در کردستان است.

ولی واقعیت چیست؟ واقعیت این است که نه کومه له نمایندگی پروتاریا است و نه حزب دمکرات در تحلیل خود از کومه له معنی است. کومه له نمایندگی اقلیت را در کمال خرد پروتاریا در کردستان است و برخلاف تصور حزب دمکرات یک قارچ موسمی نبوده و نیست بلکه نماینده یک نیروی اجتماعی معینی در کردستان است که اهدافش معینی را در جنبش کمونیستی دنبال می کند. همانطور که حزب دمکرات نمایندگی اقلیت طبقات معینی است و منافعی بخش هایی از خرد پروتاریا و سوسیالیسم عقب مانده ملیت کرد را نمایندگی می کند و این

ما در این شماره و نگاه کردن سعی می کنیم نگاهی به نقطه نظرات و موضعگیری امروز راه کارگر در کردستان بیندازیم. تا پیشروی هر نقش و جایگاه این نیروی پر مدعا ولی بی اراده و قاصد و نامسب بیندازیم تا روشن شود که راه کارگر در کردستان چه اهدافی را دنبال می کند و چگونه و از چه طریق؟

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له بدون تردید ادامه سیاست های معینی در جنبش انقلابی خلق کرد هستند که مبر و نشان طبقاتی معینی یا پر پیشانی خود دارند. اما آنچه که به تشدید این درگیریها انجامیده است، قبل از همه این است دیدگاه های محدود و کوتاه نظرانه در برخورد با همه اهداف و آمال جنبش کمونیستی در کردستان است. ارزیابی طبقاتی کمونی جنبش هنوز به طبع اساسی در هم فرو نریخته است. جوان جدیدی از نیروها که بتواند آنگونیم درونی جنبش کمونیستی را تشدید نماید هنوز شکل قطعی به خود نرفته است. از همین رو نیز روشن و مسلم است که در مرحله کمونی جنبش چنین درگیریهای اجتناب پذیر بوده و هست و خواست قطع فوری آنها دقیقاً از این جنبه مطرح است که تعداد آنها نه راهکنای سوراخی جنبش کمونی بلکه کاملاً در نقطه مقابل رشد کمونی این جنبش چه در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و چه در رشد درونی و تفکیک طبقاتی درونی آن است. بنا بر این از این نقطه نظر نیز قبل از همه علت اساسی شعله بر شدن این درگیریها را در روند روبه پن بست سیاست های گذشته این نیروها باید جستجو کرد و به عنوان یک عامل بازدارنده در مرحله کمونی باید به آنها نزدیک که عملاً بر روند کمونی جنبش تحمل

چرا از مذاکره بسیاری کردن تبارن به راه مسالمت آمیز حل اختلافات فیما بین در شرایط کمونی رویگردان است و پیشاپیش حکم محکومیت اصول دمکراتیک ناظر بر مناسبات فیما بین نیروها را در پیش شرط های خود صادر می کند. امری بوده است که در طول هشت ماه گذشته بسیاری از نیروها با مواضع بینابینی و سیاست به نسل زمینخشان از برخورد مشخص به آن طفره رفته اند. بسیاری از آنها هنوز پس از گذشت هشت ماه یکبار هم شده قاطعانه مشخص نکرده اند که بالاخره مسئولیت این درگیریها و ادامه آنها به عهده کس است چرا باید در با کدام سیاست می توان از تداوم آنها جلوگیری کرد.

اما جالب ترین و در عین حال منفصل ترین موضع را در این میان راه کارگر داشته و دارد، که به تدریج نمودن این موضوع اپورتونیستی خود نیز دست یازیده است. راه کارگر که همیشه در تمام طول حیات خود عاجز از درک واقعیات مبارزه طبقاتی و عملاً حاشیه نظیر جنبش بود و تنها وظیفه تشبیه این یا آن واقعه را به لیبرالی ترین شکل ممکن در برابر خود نهاده است، در طول شش ماه گذشته نیز با چهره همگامی خود در موضع حساس کمونیستی در حیات جنبش انقلابی خلق کرد ظاهر گشته و ماهیت واقعی خود را هرچه بیشتر آشکار ساخته است.

راه کارگر چه در عرصه موضعگیریهای سیاسی پیرامون درگیریهای کمونی و چه در تحلیلی که پیرامون برخورد خود به مسئله ملی و به اصطلاح توضیح اصول راهنمای حرکت خود در کردستان میدهد آنچنان بی پوزیسی و درک اپورتونیستی و منسوی از مسائل ارائه کرده است، و چندان پیش تاخته است که دست همه اسلاف خود را از پشت بست است.

درگیریهای حزب دمکرات و...

واقعیت را در تمامی موضوعات... سیاستها و اقدامات عملی خود آشکار می سازد... حزب سازی کومه له و تحلیل های آن از وضعیت کردستان بیانگر درک معین طبقاتی آن است که اختلافهای حزب دمکرات و برنامه و عملکرد آن... بنا بر این تضاد منافعی بین این دو نیرو و تحسوه برخوردار هر دو نیرو به مسائل مختلف نیز از این نقطه نظر قابل درک بوده و هست... اما در این میان راه کارگر تحلیل غریبی از نه تنها وضعیت نیروها بلکه کلاً جنبش کتونی در کردستان دارد... راه کارگر این جنبش را فاقد هویت طبقاتی و اساساً یک جنبش تمام مهار و بی جهت ملی می داند و امروز عیبی دارد که هرگز ندارد جنبه ملی مبارزه کتونی در کردستان تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار گرفته، یا جنبه طبقاتی ضعیف و برجسته ملی مبارزه کتونی محو گردید... ولی پس از خلابی تصور راه کارگر، روشن است که اگر چه جنبش انقلابی دمکراتیک کتونی در کردستان در همین اینکه یک جنبش ملی است در واقعیت امر قبل از همه مانند هر جنبش ملی دیگر، جنبشی برای تغییر اساسی در وضعیت کتونی یعنی اساساً یک جنبش طبقاتی است و تنها با تأکید و تکیه بر جنبش واقعی نیز نمی تواند تعمیق یافته و به اهداف پیروزمند خود دست یابد... و اگر ساله جنبش انقلابی در کردستان تنها به امر حل مسأله ملی محدود شود طبیعتاً سرنوشت روشنی در انتظار آن نخواهد بود... آیا تنها با دست یافتن به یک صریح حقوق پیروانی بدون در هم ریختن نظامات بوسیده کتونی و بدون اعمال اراده انقلابی توده های زحمتکش خلق کرد بر سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خویش، جنبش کتونی می تواند آمل و اهداف مبارزه کتونی را برآورده نماید... هر نیروی که امروز چنین تصویری از آینده

جنبش داشته باشد، هیچ درکی از اهداف و آینده این جنبش ندارد... طبیعتاً است که در جنبش آینده ای جانی برای خود نیفتد و اصولاً از هرگونه تغییر در شرایط کتونی به سوی تحولات اساسی وحشت داشته باشد... نه تنها مثل راه کارگر عامل فصال تغییر نبوده و نباشد، بلکه به سد راه هرگونه تحولی نیز تبدیل گردد... چنین نیروهایی به دلیل عقب ماندگی سیاسی و تفکر استبداد هنجاری و مزمن خود عاجز از درک گره گاههای اساسی جنبش در مقاطع معینی از رشد آن هستند... و با کج روی لا علاج خود طبیعتاً نقش منفی را در مسیر تحولات ایفا نموده همیشه میل به بازگشت به گذشته و در بهترین حالت حفظ وضعیت کتونی و نه صعود به قله آینده را در پیسن روی خود قرار می دهند.

امروز دیگر پیش از همیشه آشکار شده است که جنبش انقلابی خلق کرد یکی از حساس ترین مقاطع دوران حیات چندین ساله اخیر خود را پشت پیوستگی گذارد و درگیریهای کتونی حزب دمکرات و کومه له بجا که گره گاه اساسی در چگونگی سمت گیری آینده آن تبدیل شده است... و لازمه برخورد اصولی با این درگیریها نیز طبیعتاً درک مشخص و صریح از خسود جنبش کتونی و اهداف پیروزمند آن است... طبیعتاً است که بدون وجود چنین درک روشن و علمی برخورد به این درگیریها نیز در عمل یا در هوا و در بهترین حالت خشنی خواهد بود چرا که همین درگیریهای حزب دمکرات و کومه له نیز از حلقه و زمینه های معینی در گذشته این جنبش برخوردار هستند که غیر طریقی برخوردار اصولی با آنها صلح و شناخت دقیق هیولی و عملی چنین زمینه های و موضع گیری پر پنهان چنین شناخت عینی نیز بوده و هست... آنچه که مسلم است در شرایط کتونی قبل از همه و جدا از برخورد ها و سیاست های طرفین درگیر، این درگیریها معضولی بر توانایی عدم درک وجود نقاط اشتراک قابل اتکاء برای طرفین در مبارزه جاری هستند.

اگر در گذشته بدون وجود این چنین نقاط اشتراک و اصولی که بتواند مناسبات مشترک و مسألت آمیز فیما بین نیروها را تضمین نماید و چنین مناسباتی

به طور خود بخودی و بی وجود درگیریهای مقطعی و هر از چند گاهی، امکان پذیر بوده در شرایط حد کتونی صلح بدون وجود چنین اصولی و التزام آگاهانه و عملی نیروها به رعایت آنها در مناسبات فیما بین نمی تواند درگیریهای کتونی پایان گیرد... این امر ریشه در گذشته این جنبش دارد امروز این گذشته است که در فقدان یک برخورد اصولی با اهداف پیروزمند جنبش، به این صورت خود را بر همگان تحمیل کرده است و به حال حاکم گشته است و چه بسا در صورت برخورد غیر اصولی با آن در آینده نیز خود را تحمیل نماید... اگر کسی تا به امروز بر اهمیت برخورد به این واقعیت بی نبردم است، حد اقل امروز که دیگر تمامی تاثیرات چنین برخورد کوری با التزامات عملی جنبش هر چه بیشتر آشکار گشته است این همه صاف و مشکلات درونی جنبش کتونی می باید خسواب برخوردی را از سر او برانندند باشد... در غیر این صورت چه انتظاری می توان از چنین نیروی داشت.

راه کارگر در شش ماه گذشته، از جمله نیروهای بوده است که همیشه به دنبال حوادث روانه گشته است... و در حیرت و بهت از وضعیت ناشی از تضاد درگیریهای حزب دمکرات و کومه له هر روز به نوعی به وضوح گیری پرداخته و در صورت روزه های از دست رفته، به هر شیوه ممکن تلاش نموده است، متناسب با تحلیل خود از وضعیت جنبش انقلابی خلق کرد راهی بسرای بازگشت به گذشته بپوشد و این به خود زحمت آن را نداده است که از بعبود مسأله مغرور کتونی به یک گام فراتر رفته، راه حل روشنی برای مناسبات آینده که صلح نفی دیالکتیکی مناسبات گذشته و امروز نیروهای سیاسی در کردستان است ارائه نماید... و حتی خود گامی در این جهت بردارد... چرا که راه کارگر فاقد آن درک طبقاتی معین برای هدایت آگاهانه حوادث و ظله بر آنهاست، طبق معمول تمامی طول حیات این جریان، این بازگشت همچون همیشه این حوادث بودند و هستند که بر راه کارگر پیشی گرفته اند.

درگیربهای حزب دمکرات و...

راه کارگر برای تعبیر خوابهای طلائی دروان از دست رفته صلح وصفای گذشته که کاملاً خود بخودی و ناشی از شرایط خود وسیع و بدون برنامه معینی بوده امروز دست به تئوریزه کردن آن نیز زده و در این زمین نیز طبق معمول دست به ابداعات شعاعانه ای زده است. راه کارگر تا زگیها برای آنکه بر مواضع ایدئولوژیستی خود، حمل تئوریک بکشد و دستگیر حرکت مبارزه طبقاتی در درون جنبش های ملی شده می گوید.

نیاید به بهانه بسط مبارزه طبقاتی مسأله ملی را تحت الشعاع قرار داد و در جهت تضعیف آن کوشید. (ریکای گریکار شماره ۲۰ صفحه ۱۱) و یا در جای دیگر:

مسأله ملی همچون میانسی است که طبقات مختلف خلقی را به هم پیوند می زند. (همانجا صفحه ۱۸)

بنا بر این به زعم راه کارگر نباید آن میان در هم شکسته شود، باید از طبقات مختلف خواست کسیه همچون مجسمه برنزی در داخل این میان پاستف نموده و در مردن شکستن محدود این سیستم و دنبال کردن اهداف مشخص طبقاتی خود بر نیایند. شخص چنین فکری هم خوب راه کارگر است که باید طوف العینی قدر است پسای همه طبقات را در میان مورد نظر خود گیر انداخته و بسط دست و پا کردن یک موجود فرا طبقاتی نیز دست بسزد که در تحلیل ماهیت حزب دمکرات و عناصر و نیروهای تشکیل دهنده آن به روشنی به این مسأله می پردازد، کوشش کنید:

حزب دمکرات به مشابه یک حزب ملی در جنبش دمکراتیک خلق کرد حضور دارد یک حزب ملی بهمان گونه که هر ملتی از طبقات مختلف تشکیل شده در برگیرنده گرایشات طبقاتی مختلفی است که برای حل مسأله ملی به عنوان مسأله مورد توافق طبقات مختلف یک ملت به فعالیت می پردازد. هوسونی گرایشات طبقاتی مختلف از پروتاریها تا بورژوازی حزب ملی را به حزب یک طبقه خاص تبدیل نمی کند. البته روشن است که

فصلش برای تبدیل حزب ملی به حزب خاص طبقه معینی، آنرا دچار تلاطمات شدید نموده و باعث انشقاق و انشعاب گسترده در آن خواهد شد. (همانجا صفحه ۱۱)

پس میان مورد نظر راه کارگر تجسم مادی معینی دارد بنام حزب دمکرات که جبهه ای از طبقات مختلف در کردستان است. عجیب تر اینکه در این جبهه و پسا حزب هوسونی این بان طبقه و چنین به اصطلاح حزبی را بنمایند خاص هیچ طبقاتی تبدیل نمیشد. آیا راه کارگر با چنین اورتا پسای داهینانه ای در مردن نیست همه شکل های موجود در کردستان را در داخل حزب دمکرات محمل نموده و از آنها بخواهد که به سیاست های حزب ملی و غیر طبقاتی یا درست تر بگوئیم ملک تمام ابداعات فرا طبقاتی مورد نظر راه کارگر، تکمیل کنند. و چرا قبل از همه خود دست به چنین کاری نمی زند تا آئینه عیوبی برای دیگر کردتشان در مقابل این میان منجمد ملی بشود.

شکی نیست که مسأله ستم ملی به عنوان یک عامل باز افرنده در زمینه جلوگیری از تکوین طبقاتی جامعه ملک تحت ستم باید در هم شکسته شود و طبقه کارگر نیز تنها از این جنبه و نه چیز دیگری در امر ملی زیفیع است که رفع چنین ستمی زمینه تضح و شکوفائی مبارزه طبقاتی را باز کرده، عرصه جدیدی برای اتحاد طبقاتی پروتاریها به وجود می آورد. ولی این امر به مفهوم تقدم اکتویستی مبارزه ملی بر مبارزه طبقاتی به همان سبک و سبائی که راه کارگر قصد اشکله آن در جنبش کردستان را دارد، نیست. برای کونیست ها هیچ چیزی ستم بر مبارزه طبقاتی برای استمرار قطعی سوسیالیسم نیست.

باید هنر آن را داشت که مبارزه در راه دمکراسی (که

مسأله ملی نیز جزئی از آن است) و مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی را با یکدیگر در آمیختن و ضمن آن اولی را تا بهم دومی کرد و همسره دشواری کار در همین و چنان کلام در همین است. (لنن نامه به اینستاآرماند تاکید از مسأله)

کونیست ها بر خلاف راه کارگر صداف تقدم مبارزه در راه دمکراسی بر جنبه طبقاتی این مبارزه نیستند بلکه بر عکس نقطه عزیمت کونیست ها دقیقاً تاکید بر جنبه طبقاتی هر مبارزه ای است. درک انحرافی کومه از این وظیفه و تحلیل اکتویستی و غیر مارکسیستی آن از مناسبات طبقاتی در کردستان، راه کارگر را به سقوط در منجلاب نفسی هرگزونه وظیفه سازماندهی طبقاتی در جنبش ملی کشاننده است. بی جهت نیست که راه کارگر اصرار عجیبی دارد که نباید به بهانه بسط مبارزه طبقاتی مسأله ملی را تحت الشعاع امر طبقاتی قرار داد. این موضوع نه تنها مارکسیستی نیست بلکه موضوعی کاملاً بورژوازی و ضد مارکسیستی نیز هست.

اشتباه بنیادی عینی خواهد بود، اگر تصور شود که مبارزه در راه دمکراسی می توانسد پروتاریها را از انقلاب سوسیالیستی باز دارد پسای قرار دهد و پوره بر روی آن بکشد.

(لنن: انقلاب سوسیالیستی و حق تعیین سرنوشت ملک) در واقع امر نیز راه کارگر امروز دیگر کاری با سازماندهی طبقاتی پروتاریها برای انقلاب سوسیالیستی ندارد و دیسوار چینی بین مبارزه برای دمکراسی و مبارزه برای استقرار سوسیالیسم کشیده است و نه تنها دومی را تحت الشعاع و کاملاً تابع اولی ساخته است، بلکه در عرصه مبارزه کنونی در کردستان عملاً نیز به مدافع نفی طبقات و مبلغ و سرچ می چون اجرای سیاست دنباله روی از سیاستها و جریان های بورژوازی شده است و بخود در زمینه برخورد با درگیربهای حزب دمکرات و کومه له عملاً در این مسیر گامهای بلندی نیز برداشته است.

درگیر پهای حزب دمکرات ...

وقتی راه کارگر از هرگونه مقدم داشتن مبارزه طبقاتی بر مبارزه ملی هراس دارد، طرح چنین مسائلی را وسیله ای برای تضعیف امر ملی می دانند، طبیعی است که برای تسلیز متعصبانه خود در زمینه تحلیل از جنبش های ملی نیز باید مصداق عینی پیدا کند و یا شاید بسیاری مصداق عینی خود مجبور است که ترهات من در آوردی خود را به عنوان تحلیل بخورد خلق الله بدهد و در عین حال اسلام دارد که:

ما نه تنها با صف متغیر طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی مخالف نیستیم بلکه با تمام قوا در جهت ایجاد صف متغیر پیروان را و پیشبرد مبارزه طبقاتی در راستای منافع طبقه کارگر تلاش می کنیم... ( همانجا صفحه ۱۰ )

اما: وجه طبقاتی مبارزه در کردستان را نمی توان و نباید مصنوعاً بر وجه ملی آن غلبه داد. ( همانجا صفحه ۴ )

مسأله ملی در کردستان بر جنگ طبقاتی مقدم می باشد باید بر اساس آنچه که در واقعیت و عمل مقدم است شروع کنیم... و این شروع بدان معنا نیست که وجه طبقاتی مبارزه در کردستان باید به فراموشی سپرده شود اما مسائل اجتماعی

در تناسب با جنبش امکان پیشروی دارد و در چنین شرایطی معیار سنجش ما در پیشرفت وجه طبقاتی باید تقدم وجه ملی باشد. ( همانجا صفحه ۴ )

خوب برای هرکسی که از سابقه کار راه کارگر اطلاع داشته باشد بسیار روشن است که راه کارگری در طولانی در بهم بافتن آسمان و ریمان دارد. انماهای دور و

دراز او در زمینه سازماندهی هموطنی طبقه کارگر از طریق متحد کردن ایران حتی به قیمت دست نشستن از سازماندهی طبقه کارگر و گرد آوری صاحبان قلم و قدم در جبهه متحد کارگری خود و با هدف پر کردن حفره تاریک ولایت فقیه یکسری از شاهکارهای این موجود متذبذب و عقب مانده و لاف مزگویند پر نیب تئوریک بوده و هست...

بنا بر این امروز نیز برای چنین کسانی نباید مسأله خاصی در مورد ادعای راه کارگر مبنی بر تلاش راه کارگر انهم با تمام قوا در جهت ایجاد صف متغیر و پیشبرد مبارزه طبقاتی از طریق حفظ سیما منجمد ملی و عدم تحمیل مصنوعی هر گونه وجه طبقاتی مبارزه در کردستان به این سیما و ایجاد شکاف در آن، وجود داشته باشد از همین رو وجه اول صحبت های راه کارگر تا آنجا که به انماهای دور و دراز او مربوط می شود، امروز دیگر عملاً بیشتر به یک شوخی شبیه است تا حتی یک حرف جدی از سوی نیروی مشکل راه کارگر. مسأله اصلی در مورد راه کارگر این است که راه کارگی به هیچ وجه حاضر نیست از آنچه که در عمل واقعیت وجود دارد پیشتر رود. هر چند این عمل و واقعیت را شروع هم فرض کند و پشت سر این شروع اعلام دارد که به هیچ وجه قصد به فراموشی سپردن وجه طبقاتی مبارزه در کردستان را ندارد ولی اینجا هم راه کارگر را نباید در تنگنا گذاشت. از حق نباید گذشت اما بی

معروف چندی ریزی خود راه کارگر نیز به تکلیف من شتابد و به خط راه کارگر فیصله می دهد و قصد به فراموشی سپردن وجه طبقاتی را در عمل به ضد خود مبدل می کند:

اما مسائل اجتماعی در تناسب با جنبش امکان پیشروی دارد. ( همانجا صفحه ۴ )

عجب! پس این ظرفیت جنبش است که گویا کشف مسائل حاد اجتماعی را ندارد و باید سیما را همچنان حفظ کرد نه تنها به عنوان یک سریدر و یک سد در مقابل رشد و شکوفایی مبارزه طبقاتی ( به عنوان یک معمول اجتناب ناپذیر حاکمیت ارتجاعی بوروکراتیک بورژوازی

ستکبر) نباید دست به ترکیب آن زد، بلکه حتی به عنوان عامل خیر و برکت اتحاد طبقاتی و تجسیم شعار همه با هم باید به مشاطگری اثر نیز پرداخت. بنا بر این چون به زعم راه کارگر این تناسب برقرار نیست پس باید تقدم مردم پیشرفت وجه ملی را ( امیدواریم خواننده برای یک لحظه هم شده راه کارگر را جسدی بگیرد ) با وجه ملی باشد.

اما راه کارگر در این زمینه توضیحات مفصل تری دارد او در باره وظیفه کمونیت ها در کردستان می گوید:

اما کمونیت ها که همواره با توجه به الزامات موجود در جامعه برای رسیدن به اهداف خویش مبارزات مکن و موجود را در جهت و هائی جامعه از جهت مکن طبقاتی و ملی رهنمون می شوند باید تلاش نمایند صف متغیر طبقه کارگر را بر بستر مبارزات ملی توده های اهالی کرد ایجاد نمایند...

( همانجا صفحه ۱۰ تأکید از ما )

هر وقت راه کارگر خواسته است از وظایف کمونیت ها در مورد هر مسأله ای صحبت کند، این مبارزات مکن و موجود مرحوم استرود پیشکسوت آکونومیستهای روسیه و یا به تعبیر بهتر لیبرال های مدعی مارکسیسم را در ذهن هر شنونده و خواننده ای حباب کرده است. کمونیت های ( پیششید لیبرال های مشکل راه کارگر ) که وظیفه مقدم خود را در یک جنبش انقلابی و دمکراتیک اساساً وجه ملی می دانند و با سازماندهی این مبارزات مکن و موجود ملتزم نیست چگونه می خواهند صف متغیر طبقه کارگر را سازماندهی کنند، شاید از طریق ایستادگی و صبوری در تحمل سیما منجمد و مقدس ملی یا شاید هم از درون تجسم این سیما منجمد در روح زنده ملی؟ ولی این صحبت راه کارگر در مورد سازماندهی هموطنی را هم نباید زار جدی گرفت. چون چند سطر بعد خسود راه کارگر هم از خیر این شوخی گذشته و عملاً آب پاکی به روی دست تعامی مدعیان می ریزد منظور راه کارگر چهیدن به همان مبارزات مکن و موجود آقای استرود لیبرال بوده است. برای آنکه دیگر جای هیچ شک



و شبیه‌ای بساطی نماد میدان را به خود راه کارگر بدیم تا با تحلیل طبقاتی خود از وضعیت طبقه کارگر در کردستان پاسخ صریح را بدهد.

به دلیل عدم وجود سابقه مبارزاتی طولانی طبقه کارگر کردستان خود به تنهایی ( نه به لحاظ ماهوی ) ، بلکه به لحاظ عینی دارای توانایی های لازم برای تامین همونی خویش و پیشبرد امور ستکوری سوسیالیستی نخواهد بود ... به وظایف در منطقه ای باید به وظایف خویش عمل نماید که اکثریت اهالی آنرا زحمتکشان و نیمه پرولترها تشکیل می دهند و برای این اکثریت قبل از هر چیز مساله ملی مطرح است.

( همانجا صفحه ۱۶۲ )

پس رمز چسبیدن به مبارزات مسکن و موجود در این تحلیل منشویکی از تحولات عینی و وضعیت طبقاتی در کردستان نهفته است. کارگران چون به لحاظ عینی البته نه به لحاظ ماهوی حتماً به لحاظ کسی ، فاقست توانایی لازم برای اعمال همونی خود بر جنبش هستند و اکثریت اهالی را زحمتکشان تشکیل می دهند و برای این اکثریت نیز قبل از همه مساله ملی مطرح است ، پس پیشروانی مثل راه کارگر هم باید دست بر جیب گذاشته به مبارزه مسکن و موجود این اکثریت گردن نهاده ، منادی آشتی طبقات در میان منجمد می بندد. حقیقتاً راه کارگر با این روح وحشتناک تنها نه بر سر جنبش که بر سر خود کلاه گذاشته و من گذارد. ادعای همونی طبقه کارگر ، سازماندهی مبارزه طبقاتی و هزار چیز دیگر را دارد ولی مدافع سرسخت وجه ملی

و نه طبقاتی در جنبش انقلابی خلق کرد است. این موضوع نه موضع طبقه کارگر بلکه طبقه معینی است که منافعش توقف در قید و بند همین سیما را طلب می کند. کمونیستها برخلاف راه کارگر مدافع انجماد در لعاق مساله مهم راه کارگر نیستند ، بلکه امر سازماندهی مبارزه طبقاتی برای نه تنها در هم شکنتن عامل اصلی ستکوری ملی ، بلکه تبعات چنین ستکوری قبل از همه و برای ارتقاء مبارزه

### درگیریهای حزب دمکرات و ...

کنونی به سطح مبارزه سوسیالیستی هستند . و از همین امروز نیز تلفیق بین وظایف امروز و آتی خود را در مد نظر دارند و دیوار چینی بین آنها کشیده اند . پای کمونیت ها نه تنها در هیچ سیما محبوب و ملی راه کارگر فرو نمی روده بلکه هدف اساسی کمونیت ها در درون آن سیما اگر هم گیر کرده باشند در هم شکستن آن سیما ، حتی جویدن آن است و نه حفظ و ابقای آن .

ولی راه کارگر بیپرده طبقه کارگر را محکوم به پای بندگی به این سیما مقدس نمی دانند . او بیپرده تحلیل های حسزب دمکرات از وضعیت طبقه کارگر در کردستان را تکرار نمی کند و در عین حال بیپرده نیز از سازماندهی همونی و غیره سخن نمی گوید ، او ضمن آنکه با تحلیل وضعیت کمی طبقه کارگر و توجه گیری بزجا زدن در حریم مساله ملی را تشویق می کند راه این سازماندهی همونی صورت نظر خود را نیز البته پیش پای طبقه کارگر می گذارد . راه کارگر ضمن آنکه عالمانه ضعف های کارگران کردستان را پرمی شمارد و بزگوارانه به آنها گوشزد می نماید که شما باید به خواست " اکثریت اهالی "

یعنی " قبل از هر چیز مساله ملی صرفود آورید و از طرح خواست های خود بپرهیزید راهی را نیز برای آنها بساز می نماید . گوش کنید .

در چنین شرایطی طبقه کارگر می تواند یا بهره گیری از امکانات طبقه کارگر سایر مناطق و استفاده از تجارب تاریخی آنها و وظایف خویش را پیش ببرد . ( همانجا صفحه ۲۰ )

واقعا " بزرگ منشی هم حسی دارد . ولی راه کارگر ما در این زمینه دست همه را از پشت بسته است . او نخست کارگران کردستان را از طبقه کارگر سراسر ایران جدا می کند و آنها را دعوت به

صرفود آوردن در برابر خواست " اکثریت اهالی " یعنی " زحمتکشان و نیمه پرولترها "

نه ارتقاء خواست آنها و سازماندهی آنها می کند و سپس خود این کارگران را نیز به آموزش از تجارب و بهره گیری از امکانات طبقه کارگر سایر مناطق دعوت می نماید . و بدین وسیله دیدگاه رفومستی و منشویکی خود را هرچه بیشتر آشکار ساخته به نفسی ضرورت اعمال همونی طبقه کارگر بر جنبش دمکراتیک صحنه می گذارد . ولی راه کارگر غافل از آن است که برخلاف خود راه کارگر ، امروز دیگر همین اکثریت اهالی خیلی پیشرفته تر از خود راه کارگر فکر می کنند و شش سال مبارزه خونین و حاد در کردستان آموزش ها و تجارب گرانقدری را برجای گذاشته است که جریان منزوی و بی بندهای مثل راه کارگر قادر به درک آن نبوده و نیست . طبقه کارگر و عوام توده های زحمتکش در کردستان امروز دیگر در عرصه عمل به آنچنان رشدی نرسیده است که بدانند مساله آنها تنها

برداشتن سرودش و حباب مساله ملی و در عمل حفظ مناسبات ارتجاعی کنونی تحت هر عنوان و شکی نمی تواند باشد مساله توده های کارگر و زحمتکشی خلق کرد با دست یافتن به حقوق بورژوازی نمی تواند حل گردد . امروز دیگر مساله اساسی در کردستان حل اساسی معضلات اجتماعی اقتصادی ناشی از تسدایم وضعیت کنونی است . و برخلاف تصور راه کارگر طبقه کارگر کردستان علیرغم تمام سعی ضعف هایی که راه کارگر برای بسی اراده کردن آن پرتسوده است ، نه تنها به لحاظ طبقاتی و تاریخی بلکه از نظر عملی نیز باید قدرت و صلاحیت آن را داشته باشد که مهر خود را بر پیشانی هرگونه تحولی در آینده بکوبد . و برخلاف تصور راه کارگر امروز دیگر هیچ نیروی طبقاتی دیگری به جز طبقه کارگر قادر به انجام تحولات انقلابی و دمکراتیک و تحقیق اسال و اهداف جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان نیست برای درک این مساله حداقل راه کارگر اگر به وضعیت مشابه جنبش کنونی در سایر کشورها حتی نظریه غنچه عقیدید از جنسی خود در برخورد به امر خلق صلاح طبقه کارگر در کردستان را نخواهد یافت .

### درگیریهای حزب دسکرات و...

با چنین برخوردی به مسأله مبارزه طبقاتی در جنبش انقلابی خلق کسوف نیز هست که راه کارگر به ارزیابی از وضعیت نیروها و پسرگاه و سیاست آنها ننشسته و عملاً خود را در میان مسود نظر خود منحل می نماید و به موضوعگیری در قبال درگیریهای کثونی می پردازد. از چنین موضوعی بسیار طبیعی است که راه کارگر در قبال وضعیت کثونی و چشم اندازهای آن قاعد هرگونه برنامه و سیاستی باشد و به تکرار کلیات کمال کشنده و مبطی بپردازد که تنها برای دلخوشی روشنفکران فاقه نشد برتیب و لیرال منبر بر روی گافند نقش بسته اند نه جهت ایجاد اراده و تاثیر در جنبش بلکه برای تأییدی بر آنچه که ممکن و موجود است و امروز نیز قبل از همه در جنبش انقلابی خلقی کرد ماکرر دارد.

برای راه کارگر مسأله ملی مقدم بر همه چیز و حزب ملی و میان ملی نقطه اتکاء و پایه امید بوده و هست و تصور خلق در این همه چیز و نقطه اتکاء و پایه امید که این درگیریها به آن دامن زده اند غیر قابل درک و تحمل است. گویا به تصور راه کارگر این درگیریها نه نتیجه روند سیاست های معین در عرصه جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه نتیجه خباثت و سرزنش این یا آن نیرو و درهم ریزی صفوف انقلاب و ضد انقلاب انوی فلان نیرو است. ولی آیا آنچه می باید از این درهم ریزی جلوگیری می نمود چه بوده و چرا به وجود نیامده است؟ امروز نمی باید حداقل آنچه را که تا کنون نشده است به فرجام رسانده، نقطه پایانی بر مسائبات کور فیمابین نیروها گذاشت و متناسب با مضمون جنبش کثونی، در جهت هدایت آگاهانه و هدفمند ایمن

مسائبات حرکت نمود؟ و ایمن درهم ریزی ها را که نه تنها کسوف له، بلکه به شدیدترین و غیر سیاسی ترین وجه حزب دسکرات امروز به آن دست یازیده است از میان برداشت؟ رمز سقوط راه کارگر به موضوع اپورتونستی در قبال درگیریهای کثونی دقیقاً در ناتوانی و جبن او در پاسخ به این سوال و توقف ایستی راه کارگر در داخل میان مسجد مسأله مقدم ملی صورت نظر و سقوط در منجلیت مبارزات مکن و موجود خود است که یک موضع کاملاً عقب مانده و ناشی از درک عامیانه و دنباله روی از ذهنیت توده های عامی است و هیچ مقایسه ای یک موضع پشتتاز و آگاه و برخوردار فعال با مسأله ملی ندارد. اگر در جنبش دیروز مسأله وحدت حول خواست خود بخودی ملی مطرح بود، امروز و در این مرحله از رشد جنبش انقلابی خلق کرد مدنیت است که دیگر این امر بخودی خود کافی نبوده و نیست. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان در کردستان صدها گام جلوتر رفته است و خواست توده های زحمتکش خلق کرد سیاهی مشخص برنامه ای و طبقاتی یافته است و احساسات مرحله ای آن هرچه روشنی تر گشته است و هر کسی که منعی مایزه برای رفع مضم ملی باشد، اگر روشن نکند که با چه برنامه منحصی و چگونه و از چه طریقی می خواهد امروز در کردستان چنین مهمی را به انجام رساند، کوچکترین موفقیتی نیز بدین نخواهد آورد. مطرح رشد و آگاهی توده های خلق کرد بسیار فراتر از آن است که امثال راه کارگر و دیگر مجسمه های برتنزی پای در میان همالکسی او تصور می کنند. و آنسر تا کنون چنین درک هائمی از مسأله در میان بخش وسیعی از نیروهای موجود در کردستان عامل مدود کننده اینجند انجام با برنامه و آگاهانه در درون جنبش بوده اند، امروز که چنین دریافت های محض خود را بیار آورده است، مسلماً بدون برخورد مشخص و با برنامه با معضلات کثونی، منحصره صف بندی های تحمیلی جدیدی

خواهد گشت و این بار نیز خارج از اراده جریانهائی مثل راه کارگر این امر خود بخودی مثل صلیقه بر سر آنها فسرود خواهد آمد و این پیوستن خود بخودی اما ناگزیر بایست گفت اراده خود را بر کسانی که مناقق طبقاتی شان اجازه درک ضروریات عینی و عملی جنبش را به آنها نمی دهد، در شکل دیگری به آنها تحمیل خواهد نمود هر چند از این رهگذر جنبش انقلابی خلق کرد حاصل بسیاری زبان های به مراتب پیشتری نیز بشود. تلاش هر نیروی مسلماً بایست در کنترل این روندی که خود بخودی به اینجا کشیده شده است، باشد نه تشدید آن و به دامن زدن به آن.

تشت امروز محمول بی برنامه ای دیروز برای ایجاد زمینه های اصلی اتحاد و دلخوش کردن به اتلاف کافذی و مضایر با مضمون اساسی جنبش انقلابی و دسکراتیک توده های زحمتکش خلق کرد است. به همانگونه که راه قاطی آمدن بر این تشت نیز برخورد مسؤلانه و با برنامه و متناظر با مضمون روجه رشد و عمق انقلابی و دسکراتیک جنبش کثونی است. برخوردی که دیگر امروز به امری ناگزیر در مواجهه با معضلات کثونی مبدل شده است و هرگونه طفره رفتن از آن و اجتناب از موضعی صریح و روشن و عملی و مشخص در شرایط کثونی به همان اندازه ضرر و غیر قابل پذیرش و ماسرود است که دامن زدن به جنبش درگیری ها و تشتتی در جنبش کثونی.

با نگاهی به موضوع گیری های راه کارگر در طول شش ماه گذشته ببینیم در این زمینه راه کارگر چه نقشی ایفا کرده است و با چنین درکی از مسائل جنبش انقلابی خلق کرد و محتوی و مضمون آن چگونه سیاستی را در پوش روی خود قرار داده است و چگونه به سایر محرضین مسائل جنبش برخورد نموده است. آخرین موضع گذرته با مواضع ماههای گذشته (پوشتر) ترین موضع

## پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

راه کارگر به خوبی آشکار می سازد که موضع واقعی راه کارگر چیست و تا چه اندازه تحلیل منشویکی راه کارگر بر موضع او سایه افکنده است.

درگیریهای حزب دمکرات و...

حزب ( دمکرات ) در طی نفع ماهه اخیر قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز و با تن دادن به قطع درگیریها و اعلام آتش بس در عملاً به دنباله روی سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده و در شرایطی که کومه له ... خواست بر حق مردم کردستان یعنی قطع درگیریها را پذیرا است، حزب دمکرات با پشتیباری بر روی ادامه درگیری به عامل اصلی تبدیل شده است. ( روکای کریگر ۲۲ خرداد ماه صفحه ۱ )  
با بعد از شش ماه استسروز زبان آمده است که:  
" حزب دمکرات به همان نسبت

راه کارگر در آخرین و خجولانه ترین برخورد و موضع خود، تازه به این نتیجه راهیانه دست یافته است که " حزب دمکرات عامل اصلی ادامه دهنده درگیریهای منشویکی است" متأسفانه با یک " تبصره" اپورتونیستی و حیوانانه که البته سوء تفاهم نشود در این زمینه " حزب دمکرات ... هم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز: همان کومه له ای که به هر دلیلی به اعتراف خود حضرات "خواست برحق مردم کردستان یعنی قطع درگیریها را پذیرا است" ولی حزب دمکرات با پشتیباری بر روی ادامه درگیریها، علاوه بر آنکه به " عامل اصلی ادامه دهنده جنگ داخلی تبدیل شده است" در عین حال " قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیروز و بدتر اینکه به دنباله روی سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده" و به هم راه کارگر از این پس " به همان نسبت که بر روی تداوم این درگیریها و خود داری از قطع آن پشتیباری نماید، مسئولیت پیچیده خواهد داشت."

که بر روی تداوم این درگیریها و خود داری از پذیرش قطع درگیریها پشتبانی می نماید مسئولیت لطافت بیشتری که بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد می آید را پیشبیده خواهد داشت. ( ر.ک. ۲۲ صفحه ۱۰ )  
تأکید از مآ)

بر خلاف تصور راه کارگر اینگونه موضعگیریها در جنبش انقلابی خلق کرد، اگر هرگز هم دیگر دردی از وضعیت درگیریها را دروا نمی کند، باید بگوئیم در بهترین حالت و صورت ترین وجه ( که راه کارگر را بدان کاری نیست ) به اندازه قدمت خود درگیریها از مرحله پست و عقب افتاده است \*

براستی که صراحت لجه را باید از راه کارگر آموخت. اگر کسی بخواهد آسمان و زمین را بهم بپاورد و در حق هیچ نگردد باید از اپورتونیست های درازگو و پی چریزه تازه به دوران رسیده ما بیاموزد.

راه کارگر که امروز معتقد گشته است که حزب دمکرات " با خواست مردم و تمامی نیروهای انقلابی ... یعنی با خواست قطع فوری درگیریها " تقابل نموده است، چرا این انتقاد خود را در پشت الفاظ درهم جوشیده پنهان می کند و چرا بعد از شش ماه به ایمن نتیجه گیری رسیده است. چه چیزی جز واقعیت های تلخی که ادامه این درگیریها که خود راه کارگر نیز در آن به سهم خود شریک بوده است، چه چیزی جز نفرت و انزجار تمامی جنبش انقلابی و نیروهای انقلابی از مدافعان سیاست های فو اصولی و غیر دمکراتیک حزب دمکرات که تنها به کومه له و تقابل با سیاست های انارشینیستی آن و تحمیل درگیریهای نظامی به آن محدود نشده و نمی گذرد، زبان الکن راه کارگر را به چرخش

درست به هم میزنند است برخورد گروه چریکهای فدائی خلق ایران با مقاله " خلع سلاح گروهی از مجاهدین از سوی حزب دمکرات ". این رفتار نیز مثل راه کارگر و دیگر چریکات موجود در کردستان زمانی که حزب دمکرات با استفاده از جو نامی، از درگیری های خود با کومه له دست به انتشار اطلاعیه ای در زمینه ایجاد محدودیت بر فعالیت سیاسی و نظامی نیروها در این منطقه زد، کاملاً بیگانه و از هرگونه موضعگیری در قبال این اطلاعیه که هرگونه فعالیتها در منطقه بیانه را، منوط به کسب موافقت و اطلاع حزب دمکرات می نمود خود داری نمودند، و مدتها بعد تازه به یاد اطلاعیه "حزب دمکرات اتحاد و اسلام داشتند که:

" پیش از این حزب دمکرات طی اطلاعیه ای رسمی حرکت نیروهای سیاسی مختلف در منطقه بانه را به دلیل شرایط دشمنان ناشی از درگیری با کومه له، ممنوع به گرفتن نامه رسمی برای حرکت در این منطقه نمود ...

و با مقایسه این اطلاعیه حزب دمکرات با برخورد پیشمرگان حزب با پیشمرگان مجاهد در منطقه پیرانشهر و خلع سلاح آنها از سوی پیشمرگان حزب، به عمق آنچه که از سوی حزب دمکرات و در مواضع آن نسبت به نیروهای سیاسی در شرق تکوین است، اشاره نمودند.

این موضعگیری، اگر چه گامی به پیش است و مسا به نوبه خود از آن استقبال می کنیم، ولی در مقایسه با اقدامات حزب در برخورد به واقعات مبارزه در کردستان که امروز دیگر مشخص اطلاعیه مربوطه " آند به سیاست اصلی اعلام شده حزب دمکرات تبدیل شده است بسیار دیوانه و بیگانه نیروی انقلابی حق ندارد دفاع از این یا آن پس زمینه انقلابی در جنبش را ممنوع به هرگونه صلاحیت یا سیر حواصت بنمایند.

### درگیریهای حزب دمکرات...

نهادی سره ای واداشته است ؟ که امروز از "تقابل" حزب دمکرات با خوابیت مردم و نیروهای انقلابی سخن می گویند از مسئولیت حزب دمکرات در "لطعات پیشتری که بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد می آید" دم می زنند.

ولی نگاه گذرانی به موضوع - گیری های راه کارگر در طول این درگیری ها چهره واقعی راه کارگر را با وضوح بیشتری روشن خواهد ساخت.

راه کارگر در فروردین ماه یعنی در سومین ماه شروع مجدد درگیری ها یعنی در وقت دووقتی که حزب دمکرات بر سر پیش شرط های غیر اصولی خود یا فشاری هر چه بیشتر می نموده گفته است که "امروز کومه له قطع نظر از انگیزه های نادرست و اهدافی که دنبال می کند، خواهان آتش بس فوری است که باید با آن برخوردی مستقیم و مثبت داشت. در اینجامت که حزب دمکرات نیز باید پذیرد...

بدون توجه به تحلیل این یا آن گروه سیاسی منجمله کومه له قطع

درگیریها ضروری است و بنابراین حزب دمکرات راهی جز در پیش گرفتن مسالمت در جهت حصول اختلافات فیما بین در پیش رو ندارد." (ر.ک. شماره ۲۰ صفحه ۱۶ تاکیدها از ما)

راه کارگر اگر چه سه ماه پیش اذعان داشته است که با آمادگی کومه له برای آتش بس باید برخورد مساعد و مثبت داشت با آنکه اذعان داشت که "قطع درگیریها ضروری است به جای آنکه موضعگیری صریح نموده و از حزب دمکرات بخواهد دست از سیاست قاطع خود بردارد و این خواست را بعنوان یک اراده سیاسی بیان نماید، طی یک فرمول بندی ایوتونیستی به حزب دمکرات درگوشی گوشزد می نمود که راهی جز در پیش گرفتن

مسالمت در جهت حل اختلافات فیما بین نیست آیا سه ماه دیگر وقت لازم بود که ایوتونیسم دست آموز راه کارگر جبرأت و جبرأت بخورد داده جوینده - جوینده هم شده بگویند "مسئولیت نه حتی ادامه" درگیریها، بلکه "لطعات پیشتری که بر جنبش وارد می آید" به عطف اصل سیاسی ادامه دهنده جنگ داخلی تبدیل شده است" و این عامل اصلی را در نوروز سیاست های جنگی "انروزانه" کومه له "و" راهی که کومه له از ابتدا آن را می - پیسود" بپوشد تا نه سیخ بسوزد و نه کباب، نه راه کارگر از قافله عقب مانده باسد و نه حزب دمکرات از "دوستان" خود دلخور شده باشد.

البته راه کارگر قبل از آن هم مواضعی داشته. راه کارگر در اصفند ماه، در مقابل اختیاع حزب دمکرات از پذیرش آتش بس و درست بعد از دو ماه از شدت گیری مجدد درگیریها می گویند موضعگیریها و سیاست انحرافی کومه له... نیاید

حزب دمکرات را به فکر العمل های مشابه بکشاند... حزب دمکرات نباید چنین برخورد کند چون کومه له با تعرض سازمان یافته ما را در بن بست قرار داده ما هم چاره ای جز برخورد و اقدام متقابل نداریم... به این خاطر که اقدام متقابل حزب دمکرات نتیجه و معنایی جز بر بسار رفتن منافع جنبش ندارد... ما از حزب دمکرات می خواهیم که از در پیش گرفتن چنین سیاستی بپرهیزد.

(ر.ک. شماره ۱۹ صفحه ۲۳ و ۲۷ تاکیدها از ما)

اما موضعگیری تشریحی شماره ۱۸ راه کارگر در بهمن ماه ۲۳ بیان روشتری از این موضع ایوتونیستی و خواست عاجزانه راه کارگر از حزب دمکرات را به نمایش گذاشته است: اگر حزب دمکرات مدعی است که به منافع جنبش پایبند است و منافع جنبش را برتر از منافع سازمانی خود می داند بدون شک باید از دست زدن به فکر العمل مشابه خودداری کرده و مانع از این گردد که باری را که کومه له گذاشته است به

طرفانی که بر منافع جنبش انقلابی خلق کرد لطعات جبران ناپذیر وارد خواهد نمود تبدیل کرد. (ر.ک. شماره ۱۸ صفحه ۱۱)

معلوم نیست اگر حزب دمکرات معتقد بر ادعاهای که راه کارگر برای او می شمارد نباشد یا حداقل به آن شیوه ای که راه کارگر عاجزانه طلب می کند فکر نکند و دست به عکس العمل مشابه بزند که زده است، و "نیاید" های کارگر را عملاً "باید" تبدیل نموده و بهمان عامل نماید که کرده است، تکلیف تقاضای عاجزانه راه کارگر و اصولاً وضوح مواضع خود راه کارگر چیست می شود؟ اگر حزب دمکرات از این یا آن اقدام بپرهیزد یا لاخبره راه کارگر چه می کند؟ باید همان کاری که امروز زهر فشار واقعیت ها به آن گسردن تباد است.

ولی برای آنکه سیر تاکنونی موضعگیری راه کارگر را از دست ندهیم لازم است همین نظر اجسالی به مواضع این جریان را تا همان ابتدای درگیریها ادامه دهیم تا ببینیم از نقطه نظر راه کارگر چه کسی باد را کاشت و چه کسی امروز همان باد را به طوفان تبدیل کرده است.

امروز دیگر بعد از انتشار گزارشات مختلف بر هیچکس پوشیده نمانده است که در جریان درگیری ۲۰ آبانماه، پیشمرگان حزب دمکرات علاوه بر حمله سازمان یافته به مقرهای کومه له دست به چندمالی از قبیل اعدام امیرا و غیره زدند و حزب دمکرات نه تنها در طول مدتی که اقدامات مشترکی با کومه له برای ریشه یابی این درگیری داشت، بلکه تا کنون نیز از پذیرش رسمی آن، و برخورد مسئولانه با چنین فجایعی شانه خالی کرده است. و با چنین برخوردی نیز صرف نظر از سیاست های متقابل طرفین در طول چندین سال گذشته، زمینه اصلی را برای تداوم درگیریهای خود با کومه له تا به امروز فراهم نموده است. هرچند سیاست انارشینیستی کومه له در زمینه تعرض متقابل و در تشدید اوضاع بی تاثیر نبوده و نیست ولی هیچ تردیدی وجود ندارد که عامل اصلی و تعیین کننده در شعله بر شدن مجدد درگیری

به های سرابری حزب دمکرات و کومه له که هم اکنون نیز ادامه دارد، همانا برخورد حزب دمکرات با صیقل درگیری ۲۵ آبان ماه اورامان و بی مسئولیتی او به هرگونه برخورد سیاسی با اینگونه درگیریها بوده و هست. و اگر صوبه پلنوم سردار ماه ۱۳ حزب دمکرات در مورد درگیریهای احتمالی خود با کومه له را در کنار این برخورد حزب دمکرات قرار دهیم آن وقت روشن می شود که تمیزیک درگیری منطقه ای به درگیری سراسری سیاست چه کسی بوده و چرا امروز حزب دمکرات با دستاویز قرار دادن یک سری پیش شرط های غیر قابل قبول و کاملاً غیر دمکراتیک، اصرار بر ادامه هرچیز خونبارتر درگیریهای کنونی دارد. و چرا از همان روزهای نخست درگیری بر خلاف توجهات راه کارگر نباید های او را به باید های موکند و عطفی تبدیل نمود و به جای پرهیز نمودن از درگیری هر روز بر ابعاد فاجعه بار آنها افزوده و هنوز هم بر ادامه بیلا انقطاع آنها یافشاری می نماید. ولی راه کارگر در پیروزمیل امروز، جرات و جسارت درک واقعیت های جنبش را ندانست. راه کارگر در برخورد به درگیری ۲۵ آبانماه تازه بعد از شروع مجدد درگیری در اورامان می گوید که:

بر اساس جموعه خواهد موجود اینطور بنظری رسد

که پیشمرگان حزب از تحریکات بیشتری برخوردار بودند و حداقل حزب دمکرات در برابر سر ابعاهای کومه له ( و نه

واقعیت های موجود) ملامتی بر اقدام پیشمرگان اسپر کومه له توسط پیشمرگان حزب دمکرات و تأیید تحقیقاتی که در این باره صورت گرفته بود، پاسخ قابل قبولی ارائه نداده و اقدام موثری برای جلوگیری از تکرار چنین اعمالی و محکوم نمودن آنها نکرد. ( ر. ک. شماره ۱۸ صفحه ۱۱ و ۱۲ تاگیدها از ما)

اما به زعم راه کارگر شعله ور شدن درگیریهای مجدد رانده این برخورد حزب دمکرات در زمینه دادن پاسخ " قابل قبول" راه کارگر به نه تنها حقایق موجود و افکار ناپذیر، بلکه

### درگیریهای حزب دمکرات و...

ابعاهای کومه له و نشانه عدم وجود اقدام موثر برای جلوگیری از تکرار آنها و محکوم نمودن آنها بلکه دیدگاههای کومه له و تحلیل او از حزب دمکرات و سیاست غلط کومه له به تنهایی و نه در برخورد مقابل با سیاست غلط حزب دمکرات در گسل، به وجود آورده است، گوش کنید:

" آنچه متمیز نظامی این دو نیرو را به امری اجتنابناپذیر تبدیل کرده، درهم ریختن صفوف انقلاب و فرد انقلاب توسط کومه له است. . . ."

بسیار خوب آقایان برای از میان رفتن متمیز نظامی باید کومه له تحلیل خود از حزب دمکرات را پس بگیرد، تابعیت و رهبری حزب دمکرات را بپذیرد، یعنی به همان شرایط حزب دمکرات برای اشراف کردن بگذارد، یا نه، راه مسالمت آمیز و دمکراتیکی برای تنظیم روابط فعلی بین، در عین احترام متقابل به نقطه نظرات همدیگر و التزام به آزادی فعالیت سیاسی وجود دارد؟

راه کارگر بسه این رویا آن سیاست مشخص در زمینه گسترش درگیریهای حزب دمکرات و کومه له نه تنها کاری ندارد، بلکه گریزان از چنین برخوردی نیز هست. راه کارگر بدون ریشه یابی درگیریهای کنونی یک شبه به تحلیل اقدام آوارشیستی کومه له در ششم بهمن ماه تمامی سابقه امر درگیری را به فراموشی می سپارد و اعلام می دارد که:

" در شامگاه شش بهمن تحولی در درگیری های حزب و کومه له صورت گرفته و کومه له برای اولین بار درگیری را به سطح دو سازمان رسانده . . . و با اعلام رسمی این اقدام . . . به یک باره تمامی دستاوردها و منافع جنبش را در معرض تاراج قرار داد."

( ر. ک. شماره ۱۸ صفحه ۱۱)

راه کارگر عاجز از درک این واقعیت است که چه کسی قبل از کومه له در عمل چنین اقدامی را کرده است. حزب دمکرات حتی به زعم راه کارگر با سکوت در مورد وقایع ۲۵ آبانماه اورامان کدام دستاورد و منافع جنبش را حفظ می نمود که کومه له بسا اقدام آوارشیستی خود آن را تاراج داد؟ دیگر از جنبش چه چیزی می توانست باقی بماند هر آینه رهبری حزب دمکرات در عین اطلاع کامل از فجایع تشکیلات اورامان خود به تکرار مکرر تهدید پلنوم خود علیه کومه له دست بزند. و وقتی نیروهای مثل راه کارگر وجود داشته باشند که با وجود تمامی دلایل و شواهد موجود در مقابل فجایع ۲۵ آبانماه اورامان با عباراتی از قبیل " در صورتیکه اعمالی از قبیل اقدام اسرا در میان باشد . . . " چنین بی تفاوت و چنین متغافل برخورد نمایند، از کومه له چه انتظاری می توان داشت جز اینکه با کله در چاله ای که حزب دمکرات تعبیه نموده است نیندند. آیا راه کارگر و امثالهم از جبهه خود حزب دمکرات یک لحظه به این واقعیت فکر کرده اند که نقطه عطف درگیریهای حزب دمکرات و کومه له در کجاست؟ روز ششم بهمن ماه چه اتفاقی افتاده بود. اتفاقاً برخلاف تصور راه کارگر کومه له بین ما، این رهبری کومه له نبود که برای اولین بار درگیری را به سطح دو سازمان رسانده و اسرا از سطح منطقه ای فرا تر برد. بلکه این رهبری حزب دمکرات بود که بعد از اطلاع از کم و کیف درگیری ۲۵ آبان ماه اورامان، از برخورد مسئولانه خود باری نمود و عملاً مهر ناپید بر آن گذاشت و آگاهانه بر اقدامات تشکیلات اورامان خود صحنه گذاشت. برخلاف تصور راه کارگر قبل از شامگاه شش بهمن تمامی دستاوردها و منافع جنبش با استنکاف حزب دمکرات از هرگونه برخورد مسئولانه ای، به تاراج رفته بود. درک این واقعیت نیازمند هیچ چیزی جز یک جو احساس مسئولیت انقلابی در قبال جنبش نیست. چیزی که راه کارگر تا به امروز از آن محروم بوده و هست. اگر راه کارگر اندکی احساس مسئولیت انقلابی در قبال سرزشت آبی

### درگیریهای حزب دمکرات و...

چنین و منافع و مصالح آتی و آتی آن می دانست هرگز از موضعگیری صریح و روشن در قبال اینس درگیریها طرفه نسی رفت و بدون هرگونه تحلیل دقیق آنچه که واقعیت این درگیریها و علل و زمینه های اساسی آن را تشکیل می داده در همان روزهای نخست این درگیریها که امروز حزب دمکرات را بسط هر نحو و با هر فرمولیستی ایورتونیستی مشول ادا شده آن می داند، با صراحت نه تنها موضع می گرفت بلکه با متمک قرار دادن مسائل از قبیل "درهم ریزی صفی انقلاب با وضد انقلاب از سوی کومه له" و بدون ریشه یابی آنچه که در ششم بهمن اتفاق افتاد و چه بسا در دهم بهمن ویا هر روز دیگری با توجه به برخورد حزب دمکرات نه تنها در اورامکان بلکه در دهها نقطه دیگر نیز امکان بروز آن به وجود آمده بود اصلاح نمی کرد؛ کومه له بادی را کاشته است حزب نباید بگذارد

به طوفان تبدیل شود. راه کارگر اگر همین واقعیت فکری می گسرد و می توانست سرش را از لاک خسور بدر آورد، پراحتی می توانست درک نماید که چه عواملی زمینه این درگیریها را فراهم ساخته است. و چه کسی در ادا شده آنها نقش و مسئولیت دارد، و کدام نیرو در تبدیل این درگیریها به درگیری سراسری نقش تعیین کننده را داشته و دارد، و پسر چه اساسی امروز از قطع درگیریها اختراع می ورزد. آنگاه تازه بعد از شش ماه به این فکر نمی افتاد که بخواهد با به نعل و به میخ زدن، مسئولیت تبدیل درگیریها به درگیری سراسری را به حساب کومه له بگذارد و به همان نسبت که حزب دمکرات از پذیرش قطع درگیریها، اختراع ورزیده حزب دمکرات را به همان نسبت مشول بداند. گویی هنوز برای راه کارگر روشن نشده است که حزب دمکرات با پیش شرط های خود که برای هر نیروی که اندک درکی از مسائل جنبش داشته باشد مورد پذیرش نمی تواند باشد عملاً هر گونه زمینه قطع درگیریها را از میان برده است و محدوده مناقشات خود با نیروهای انقلابی را هر روز به فراخسور مواضع سیاسی نیروها گسترش داده و می دهد. ایورتونیسم امروز راه کارگر، دست در زمانی که

برای هیچ کس تسریدی در مسئولیت حزب دمکرات در ادا شده درگیریها و اختراع از پذیرش آتش پس باقی نمانده است، در دستاویز قرار دادن همان نسبت و فرمول - بندی مبهم او لایوتانیسی می گردد.

ولی اگر راه کارگر خود نیز آگاه نباشد، بر هیچ کس پوشیده نیست که جنبش کردستان، راه کارگر از جنبش کردستان، راه کارگر این جریان اکتونومیست و دنباله رو جز دنباله روی از حوادث و تسن سپردن به هر چیز ممکن موجود باقی نگذاشته است. راه کارگر اگر چه امروز بعد از شش ماه گوشه ای از واقعیت را با تسرید و تزلزل در قبال درگیریها اصلاح داشته است، ولی عملاً قادر نیست با توجه به شکل و شیوه و ضمیمه حقائقش برخورد نسبت به درگیریهای کنونی هیچ گام عملی در زمینه قطع اینس درگیریها بردارد. لازمه چنین اقدامی مسلماً نه تنها صراحت موضع و تصحیح قطعی و بی محابای اشتباهات از موضع انقلابی و نه کاملاً ایورتونیستی بلکه حرکت عملی در زمینه ایجاد اراده عملی در مقابله با سیاست مبتنی بر ادا این درگیریها بر مبنای اصول مشخص و بر تاسه روشن است که راه کارگر فاقد آن است.

### چند خبر از سنج

از صفحه ۱۸

در تاریخ ۳۶ خرداد ماه، مردم شهر تظاهرات و جمعیت را علیه رژیم بر پا کردند. تظاهرات نخست با تجمع در بلوار شهر شروع می شود. مزدوران رژیم بلافاصله با چند خود رو و متوسل سیکلت خود را به محل تظاهرات می رسانند و شروع به تجمع نیرو می نمایند. در حین تظاهرات دو مأمور گشت صباه توسط تظاهر کنندگان به آتش کشیده می شود. بعد از این اقدام نوده های انقلابی شهر سنج مزدوران رژیم به سوی تظاهر کنندگان و شبانه پورچی می گورند. اما با مقابله سوختنازه تظاهر کنندگان رو برو می گردند که با شعار سرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، سرگ بر پاسدار، صفوف خود را هر لحظه فشرده تر می نمودند.

بالاخره بعد از رسیدن نیروی گکی، پاسداران ارتجاع اقدام به تیراندازی هوایی و محاصره و پراکندن تظاهر کنندگان نموده و تعدادی از آنها را دستگیر می نمایند.



در همین روز در نقطه دیگری از شهر نیز، دو جانش مزدور، که در محله "قطارچیان" دست به آزار و اذیت و بی حرشی نسبت به مردم زده بودند، مورد حمله اهالی شهر این محله قرار گرفتند. مجبور به قرار می شوند. به دنبال فرار این مزدوران تعداد دیگری جانش نیز خود را به محله می رسانند تا به اوصاف و تهدید و آزار و اذیت مردم پروازند. ولی آنها نیز پس از اعتراض شدید اهالی محله رو برو شده، به زد و خورد با آنها پرداخته و عاقبت بعد از خسور دن کتک طویل همگی آنها نیز مجبور به فرار می گردند.

دو روز دوم تیر ماه نیز در میدان شهر، پور سرد زحمتکشی مورد آزار و بی حرشی و ضرب و شتم یکی از جانش های خود فروخته قرامی گیر، این اقدام جانش مزدور فقرت و انبجبار مردم را بر صحنه انگیزد و آنها با قیام "سرگ بر جانش و سرگ بر خمینی" دست به اعتراض می زنند. اعتراض مردم پس حدودی شدت می گیرد که جانش خود فروخته به سخنی موفق می شود جان خود را از دست مردم خشمگین و معترض نجات داده، فرار کند.



همچنین در تاریخ ۱۰ تیر ماه در خیابان فردوسی، پاسداران مزدور به پهنه بی حجابی، به آزار و اذیت زنان می پردازند که با اعتراض شدید مردم رو برو

# اخبار جنبش توده‌ای

## اعتراضات توده‌ای علیه

### تسلیم اجباری

در این ماه نیز هم‌چون ماههای گذشته، رژیم جمهوری اسلامی تلاش نمود که با توسل به انواع و اقسام شیوه‌ها، زحمتکشان کردستان را مجبور به تسلیم به نفع خود نماید. اما در تمامی موارد با مقاومت و اعتراضات یکپارچه مردم روبرو شده، مجبور به

عقب نشینی گشت. در این ماه نیز اهالی زحمتکش روستاهای کردستان مقبله با سازمان ارتجاعی تسلیم اجباری را به عرصه دیگری برای تشدید مبارزات خود علیه مزدوران رژیم مبدل ساختند.

مردم روبرو شده که نهایتاً آنها مجبور به آزادی دستگیر شدگان و ترک روستا می‌شوند.

نه تنها در روستای "ویسر" بلکه در کلیه مواردی که مزدوران رژیم در منطقه "واوه رود" و "چم‌شار" که از اهالی تمامی روستاهای این مناطق خواسته‌اند که مسلح شوند، با اعتراضات منابهسی روبرو گشته‌اند. اهالی روستای "گیلان" حتی به عنوان اعتراض به رفتار مزدوران دسته جمعی و یکپارچه به شهرستانج نیز رفته‌اند.

اهالی روستای "سور" نیز در اواخر ماه گذشته، با مقاومت یکپارچه در مقابل خواست تسلیم مزدوران رژیم، عملاً تمامی تلاش‌های ارتجاعی آنها را نقش بر آب ساخته‌اند.

در منطقه "سویان" تلاش مزدوران رژیم برای تسلیم اجباری اهالی روستای "ره‌شده" "حسن آبد" "گوبیزه کوپره" "پیلد" "عصر آبشار" "پله‌سی" و "چاک" "کاسلا" با شکست روبرو گشت. اگر چه مزدوران رژیم برای تحمل سیاست ارتجاعی رژیم بیشتر از ۱۰ نفر از زحمتکشان روستای "عصر آبار" ره‌شده و "پیلد" را دستگیر نموده و به پادگان شهر روانه ساختند، ولی در مقابل اعتراض وسیع اهالی این روستاها مجبور به عقب‌نشینی گشتند. اهالی این روستاها یکپارچه و متحد، با خواست آزادی دستگیر شدگان، جلوی پادگان رفته و خواست خود را به اطلاع مزدوران می‌رسانند. اما مزدوران رژیم به آنها می‌گویند تنها در صورتی حاضر به آزادی دستگیر شدگان هستند که اهالی مسلح شوند. این امر خشم و نفرت زحمتکشان روستاهای مذکور را برمی‌انگیزد و مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات آنها تمامی سعی می‌نمایند که گویا آنها را حاضر شده‌اند به نفع رژیم مسلح شوند. این امر علاوه بر آن که مورد پذیرش اهالی قرار نمی‌گیرد، خشم و نفرت زندانیان را نیز برمی‌انگیزد. اعتراضات دستگیر شدگان یوحدی شدت می‌یابد که عده‌ای از آنها

با اقدام به شکنجه زندان موفق به فرار می‌گردند. عده‌ای دیگر از این دستگیر شدگان نیز در نتیجه تعداد اعتراضات اهالی آزاد می‌شوند. اما مزدوران بالاخره چند نفر از اهالی روستای "ره‌شده" را همچنان در زندان نگه می‌دارند تا مگر آنها را تسلیم سیاستهای ارتجاعی خود نمایند. ولی اهالی زحمتکش روستای "ره‌شده" یکصد و متحد به رژیم اسلام کرده‌اند که هرگز اسلحه رژیم را نبرخواهند داشت.

در منطقه "مندیج" نیز مزدوران رژیم به منظور تسلیم اجباری زحمتکشان خلق کرد به روستای "ویسر" در "واوه رود" پیشروی آوردند. روستا را به محاصره خود در می‌آورند و خنجر از روستا را ممنوع اعلام می‌کنند. آنها به زور اهالی را در مسجد روستا جمع کرده بعد از آزار و انیت و بی حرمتی بسیار به مردم، از آنها می‌خواهند که مسلح شوند. اما با اعتراض وسیع اهالی روبرو شده، مجبور می‌شوند برای ارضاب آنها دست به تیراندازی بزنند، که این اقدام مزدوران نیز تغییریری در تصمیم اهالی ایجاد نمی‌کند و پس سرکوبگران رژیم با مشاهده اوضاع، از کنار بازناهیستاده شروع به دستگیری اهالی می‌نمایند که این تلاش مزدوران نیز با اعتراض شدید

در منطقه "شمال کردستان" و در اطراف اورمیه نیز در اوایل این ماه توسط چند نفر از سرسپردگان و مزدوران رژیم در روستای "ده س گر" تعداد ۲۵ نفر از اهالی این روستا مجبور به تسلیم می‌شوند. روز بعد از تسلیم اجباری این زحمتکشان، یوکرده جانترها، به روستای "ده س گر" رفته و شروع به تهدید مردم می‌کنند که با اعتراض یکپارچه اهالی روبرو شده و زحمتکشان مسلح شده نیز اسلحه‌های رژیم را به سوی مزدوران پرت نموده به جمع زحمتکشان معترض می‌پیوندند. این اقدام مزدوران را به ضرر عمل واداشته آنها به ضرب و شتم اهالی می‌پروازند. ولی موفق به پیشبرد اهداف ارتجاعی خود نگشته و با مراکتدگی مجبور به ترک روستا می‌شوند.

در منطقه "پوکان" نیز در تاریخ ۱۰ تیرماه روستاهای "کاسی" "دیسر" مورد پیشروی مزدوران رژیم قرار می‌گیرد. آنها، حدود ۲۴ ساعت در روستا حکومت نظامی برقرار می‌کنند و جوانان روستا را دستگیر نموده تلاش می‌کنند به پادگان‌ها بفرستند که با اعتراض یکپارچه مردم مجبور به آزاد نمودن آنها می‌شوند.

در منطقه "اورامان" نیز، جاش‌های مستقر در اورامان تخت، طی پیشروی به روستای

اعتراضات توده‌ای  
علیه تسلیم اجباری

# اخبار جنبش توده‌ای

برنگشتند. اما بعد از این ناگامی  
مزدوران رژیم از کار یا نداشتند،  
به آنها گوناگون به آزار و اذیت  
مردم می پردازند، از جمله به  
بپاشند این که پیشمرگه به داخل  
شهر نفوذ کرده است شروع به  
تیراندازی و بازرس و ادیست  
مردم می نمایند.

نوم به زحمتگان این روستا  
اخطار می دهند که باید مسلح  
شوند و اعلام می کنند که  
قسم دارند در روستا پایگاه  
مستقر نمایند. اما این اقدام  
مزدوران با اعتراض گسترده اهالی  
روبرو می شود. آنها حتی به  
مزدوران رژیم درگیر می شوند  
طی همین درگیری نیز مزدوران  
رژیم اقدام به تیراندازی می نمایند  
که در نتیجه یکی از اهالی زخمی  
می شود. ولی این اقدام  
مزدوران نیز خللی در اراده  
زحمتگان این روستا ایجاد  
نمی نماید و آنها مجبور می شوند  
روستا را ترک نمایند.

\*\*\*

## سیاست آزار و اذیت

زحمتگان  
نشانه ترس  
و  
زیمنی رژیم  
در مقابل  
جنبش انقلابی خلق کرد  
است



مزدوران مستقر در پایگاههای  
مستقر رژیم که تعداد آنها  
بیشتر از ۲۵۰۰ پایگاه پراننده  
۲۲ پادگان بزرگ در کردستان  
است. به هرگونه سیاست سرکوبانه  
- ای برای فشار آوردن به  
زحمتگان خلق کرد دست می زنند  
و از هر شیوه ارتجاعی در برخورد  
به اهالی روستاهای کردستان  
استفاده می کنند تا مگر در اراده  
استوار آنها در پشتیبانی و  
تحرکت فعال در جنبش انقلابی  
کردستان خلل وارد نموده و از این  
طریق از یک سو امنیتی برای  
خود در پایگاههای مستقر رژیم  
که اینک به زندانی برای آنها  
تبدیل شده است، دست و پا کنند  
و از سوی دیگر به برخی اهداف  
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی  
که اجماع آنها ایجاد توده های  
انقلابی است نائل آیند ولی

تجربه شش سال گذشته به خوبی  
آشکار ساخته است که رژیم  
جمهوری اسلامی و مزدوران  
و کارکنان آن نه تنها قادر به چنین  
کاری نبوده و نیستند بلکه  
هر روز بیشتر از پیش در باتلاق  
جنسی که هیچ آینده ای برای  
آنها ندارد غوطه وری کردند.

اینک نمونه هایی از این  
اعمال مزدوران رژیم در  
کردستان و مقابل توده های  
زحمتکش با این مزدوران:

در منطقه مهاباد نیز  
روز ۲۴ خرداد ماه جانرها و  
پاسدازان به روستای "حاجی حسن"  
تازه کنبد "کتب آبار"  
"مرجان آبار" و "گزلان"  
حمله کرده به آزار و اذیت  
مردم می پردازند، در روستای  
"گزلان" مبلغ زیادی پول  
اهالی را نیز به سرقت می برند.

در منطقه ربط نیز مزدوران  
رژیم روز ۲۵ خرداد ماه، در مقابل  
اشباع یکی از زحمتگان روستای  
"هنکوی" در تحویل اسب  
خود به آنها دست به انفجار یک نارنجک  
من زنند که در نتیجه آن  
زحمتکش صاحب اسب زخمی می شود

در تاریخ ۳۰ خرداد ماه  
نیز در منطقه پانه به روستای  
"تسخان آباد" حمله نموده به  
آزار و اذیت مردم می پردازند  
که با اعتراض اهالی روبرو شده  
و مجبور به ترک روستا می گردند.

مزدوران مستقر در روستای  
"سیف" میروان نیز که برای  
حفظ جان خود تمامی روستا را  
سنگربندی نموده اند، صبح روز  
پنجم تیرماه با سنگرهای خواب  
شده روبرو می شوند که شبانه  
توسط اهالی تخریب شده بریزند.  
آنها با آزار و اذیت مردم از آنها  
می خواهند کسانی را که  
سنگرهای مزدوران را خراب  
کرده اند، معرفی نمایند. آنها  
حتی ۳ روز از بیرون رفتن  
حیوانات و گاو و گوسفند های

روستائیان نیز جلوگیری نمودند  
ولی موفق نشدند که اهالی  
زحمتکش این روستا را مجبور به  
پذیرش خواست هایشان بنمایند.  
مردم این روستا برای اعتراض به  
اعمال جنایتکارانه مزدوران  
تصمیم می گیرند که به شهر میروان  
رفته و قریب اعتراضشان را به گوش  
همگان برسانند ولی مزدوران برای  
جلوگیری از این کار اهالی به  
سوی آنها تیراندازی نموده و  
یکی از زحمتگان این روستا را  
به شهادت می رسانند.

در تاریخ ۲۳ خرداد ماه،  
عده ای از مزدوران رژیم به  
روستای "داودای" در منطقه  
سپردشت حمله کرده به آزار  
و اذیت زحمتگان این روستا  
می پردازند، فرمانده مزدوران  
رژیم در این منطقه که یکی از  
ارتجاعی ترین مهربه های رژیم  
در منطقه است، بدون اجازه  
و اطلاع صاحب خانه و در غیاب  
او، به داخل خانه او می رود، که  
این عمل او مورد اعتراض یکی  
از اهالی شورای روستا قرار  
می گیرد، اما فرمانده مزدوران  
در مقابل این اعتراض به عضو  
شورا حمله ور شده به ضرب  
و شتم او می پردازد. بعد از  
مشاهده این وضعیت، اهالی  
روستا از زن و بچه و پیر و جوان  
تجدد و پلایچه به سوی مزدوران  
و به قصد کمک کاری فرماندهان آنها  
حمله می شوند. در نتیجه  
مزدوران بدون آن که امکان  
فرصت کاری پیدا کنند مجبور  
به فرار و ترک روستا می شوند.

روز ۲۴ خرداد نیز در شهر  
سقز مزدوران با تمام تلاشی که  
به کار می گیرند موفق نمی شوند  
مردم شهر را به شرکت در راهپیمایی  
روز قدس مجبور نمایند. مردم  
شهر با آگاهی از هدف رژیم  
علیرغم تمامی تلاش های مدبرانه  
مزدوران رژیم، شهر را تخلیه  
نموده، تا - شب به داخل شهر



سیاست آزار و اذیت زحمتکشان نشانه تسم و زینتی ...

در منطقه پیرانشهر نیز ۷ تیم ماه به دنبال ضربات پیشمرگان به مزدوران رژیم در روستاهای "گرده بن" نیروهای سرکویگر رژیم روز بعد یعنی ۸ تیر ماه به روستای "گیله سیان" پیوسته آوردند و یکی از اهالی بی دفاع این روستا را به شهادت می رسانند. اهالی روستاهای "گرده بن" و "گیله سیان" در اعتراض به این اقدام جنایتکارانه دست به اعتراض زده و از مزدوران رژیم می خواهند که پایگاه را تخلیه نمایند. وگرنه آنها به نشانه اعتراض دست جمعی هر دو روستا را تخلیه خواهند نمود.

در نقده نیز، مزدوران رژیم طی یک پدش مشابه به روستاهای منطقه به غارت اموال اهالی پرداخته مبلغ ۱۰۰/۰۰ تومان از خانه یکی از اهالی روستای "شال صطفی" و ۸۰۰۰ تومان از خانه یکی از اهالی روستای "کانی مام سیده" را به غارت می برند. در روستای "گرنه کول" نیز بعد از اختراع یکی از اهالی از پرداخت هر گونه پولی به آزار و اذیت و شکنجه اوسی بردازند.

در منطقه بانه هم، تعدادی از مزدوران رژیم در روستای "شیو" به دو نفر از زنان زحمتکش روستا بی حرضی می نمایند که با اعتراض و خشم اهالی روستا شده و به زحمت موفق به فرار و نجات جان خود می گردند. به دنبال این حادثه، فرمانده مزدور پایگاه برای ارباب زحمتکشان روستا به داخل روستا آمده و اقدام به کشتن اسلحه می کند که مورد حمله اهالی خشمگین روستا قرار گرفته و بعد از کشتن مغلی که شوش جان می کند، مجبور به ترک روستا می گردد.

همچنین در تاریخ ۱۰ تیر ماه نیز دسته ای از مزدوران چاریو پاسدار متصرف در پایگاه "سویج" به روستای "بزرگ" رفته و به آزار و اذیت و اخاذی از مردم می بردازند. از خانه یکی از

زحمتکشان ۸۰۰ تومان پول و دو دست لباس و از خانه زحمتکش دیگری ۲۰۰۰ تومان پول به سرقت می برند. اهالی روستا دست به اعتراض زده و به رودررویی با مزدوران می بردازند که در نتیجه بالا گرفتن این اعتراضات فرمانده پایگاه مزدوران، به داخل روستا آمده و در حضور زحمتکشان معترض روستا، در مسجد به سخنرانی پرداخته و برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات قبول تنبیه متخلفین را می دهد.

در تاریخ ۱۲ تیر ماه نیز در منطقه ارومیه، جانش های مزدور به منظور ارباب مردم به روستای "خوراسبا" پدش آورده و ۲ نفر از جوانان روستا را دستگیر نموده و با انداختن ۲ عدد نارنجک در جهت آنها، به مردم اسلام می کنند که این دو نفر ضد انقلاب اند و می خواهند خرابکاری نمایند. جانش های مزدور ۲ جوان پادشده را با خود به روستای "زیسه" می برند که با اعتراض اهالی این روستا روبرو شده، مجبور به آزادی آنها می شوند.

در روز ۱۶ تیر ماه نیز جانش مزدوری برای تعمیر تراکتور خود، در شهرت "خسره" در منطقه ارومیه، به تعمیرکار این شهرت فشار می آورد، که با اعتراض این زحمتکش روستا روبرو می گردد. جانش مزدور با مشاهده اعتراض این زحمتکش اقدام به کشتن اسلحه و تهدید او می کند که اهالی شهرت با مشاهده وضعیت پیکارچه دست به اعتراض زده، جانش مزدور را به شدت شک کاری می نمایند. به دنبال این امر، جانش های دیگر به محل آمده، تلافی می کنند که به سزای مردم حمله نمود، آنها را بترسانند و کسی موفق به ارباب مردم نشده، مجبور به فرار می شوند. اما روز بعد تعمیرکار زحمتکش را دستگیر می نمایند. مردم بعد از اطلاع از این دستگیری، دست به اعتراض زده، تمامی شعراه ای رژیم را از در و دیوار پات نموده و شروع به دادن شعار علیه رژیم می کنند. خشم و اعتراض مردم به حدی بالا گرفته بود و

که مزدوران رژیم جرات رفت آمد در شهرت را نداشتند.

در روز ۲۰ تیر ماه نیز، در منطقه بانه یکی از پاسداران رژیم به روستای "سویج" رفته به آزار و اذیت اهالی می پردازد. که با اعتراض و خشم مردم روستا می شود. پاسدار مذکور به بانه این که پیشمرگ در روستا حضور دارد، تعدادی دیگر از پاسداران را نیز به روستا فرا می خواند و این مزدوران شروع به تیراندازی به مسووی مردم می نمایند. اهالی زحمتکش روستا در مواجبه با این اقدام جنایتکارانه مزدوران رژیم دست به اعتراض و تظاهرات دسته جمعی زده، و با دادن شعار علیه مزدوران، آنها را از روستا بیرون می رانند.

در دیواندره نیز دسته ای از مزدوران با حمله به روستای "توکلان" اقدام به تیراندازی و ایجاد جو رعب و وحشت می نمایند که منجر به مهاجرت شدن یکی از اهالی می گردد.



اتلافهای موجود، اتحادهای آینده!

اردیبهشت ۱۳۶۷

ارتشادات کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت

چند خبر از

اعتراضات توده‌های

علیه

جنگ ارتجاعی

جنگ ایران و عراق شهرها و روستاهای کردستان انقلابی را نیز از تاریخ قاجار خود پس قوی نگذاشته است. تا کنون در اثر بهاران بمبئی افکنهای عراقی مدها نگر از مردم زحمتکش کردستان قربانی سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم شده و هزاران نفر از آنان خانه‌هاشان ویران شده و خود آواره گشته اند.

در ماههای اخیر مردم زحمتکش کردستان طی اعتراضات متعدد نفرت و انزجار خود را از این جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری املاسی به نمایش گذارده اند.

در شماره قبل رنگی‌گول اخباری از مناطق بهاران شده و اعتراضات ضد جنگ مردم کردستان درج گردید. اخبار زیر گوشه دیگری از این اعتراضات را نشان می‌دهد:

چند خبر کوتاه

طبق خبر رسیده از شهر بانه، دولت به کسانی که خانه هایشان در اثر بهاران های وحشیانه اخیر ویران شده است، توصیه کرد که خانه هایشان را در خارج از شهر بسازند و از تعمیر خانه های ویران شده خود در شهر خود داری کنند. این اقدام ارتجاعی رژیم در عین حال که هزینه ای سنگین را بر دوش مردم بانه تحمیل می‌کند نشانه دیگری از اصرار فاشیستی جمهوری املاسی بر ادامه جنگ نفرت انگیز کنونی است که بیش از پیش نفرت و انزجار توده‌ها را از جنون جنگ طلبی رژیم برمی‌انگیزد.

\* منسج

بعد از بهاران یادگان این شهر در تاریخ ۱۴ / تیرماه ۶۴ تعداد زیادی از خانه و منازعه‌های اطراف آن نیز ویران شد که طی آن ۲ نفر از مردم بی‌دفاع جان خود را از دست دادند.

جمع کثیری از اهالی منسج با تجمع در جلو یادگان خواستار تعرض مکان زندانیان می‌شوند که در این یادگان در امارت قرار دارند. مزدوران یادگان در مقابله با اعتراض اهالی بی‌سوفی آنها تیراندازی می‌کنند که در نتیجه عده‌ای زخمی و یک نفر نیز به شهادت می‌رسد.

\* کرماتشاه

به دنبال بهاران های بی‌دینی ضابط مختلف شهر کوفته و زخمی شدن تعداد کثیری از مردم بیگناه، همه‌روزه تعداد زیادی از اهالی محل زندگی خود را رها کرده به خیل اورگان جنگی می‌پوشند.

روز ۲۶ خردادماه ۶۴ توده‌های بانه آمدند طی یک حرکت اعتراضی در محل یادگان "قازانچی" تجمع نموده و ضمن تظاهرات و دادن شعار علیه رژیم و جنگ ارتجاعی، خشم و نفرت عمیق خود را از سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم نشان دادند.

همچنین در این روز تظاهرات مشابهی در یکی از خیابانهای شهر (تاج‌داری سابق) صورت

گرفت که ضمن آن چند تن از نگارندگان توسط پانصد اران دستگیر شدند.

در پاوه نیز مردم شهر که در نتیجه بهاران خسارات و تلفات سنگینی را متحمل شده‌اند طی یک تظاهرات خیابانی نفرت خود را از جنگ و رژیم جمهوری املاسی با شعارهای خشم‌انگیز نشان دادند.

روستای "روان زردوئیسی" واقع در منطقه اورامانات نیز در تاریخ ۲۰ خردادماه بهاران شد و خسارات زیادی به زحمتکشان این روستا وارد آمد.

\* بهران شهر

اورگان جنگی این شهر که بی هیچ سرنوشتی شرایط سخت و مشقت باری را می‌گذرانند بعد از مراجعه به عوامل رژیم در تاریخ ۱۴/۳/۶۴ و تقاضای دریافت چادر مزدوران به آنها می‌گویند که باید کارت شناسایی داشته باشند و مبلغ ۲ هزار تومان وجه نقدی نیز پرداخت نمایند تا به شفا چادر داده شود. این عمل مزدوران با اعتراض شدید مردم مواجه می‌شود. آنان با تجمع در مقابل فرمانداری دست به اعتراض می‌زنند. طی این اعتراضات عده‌ای از آنان توسط مزدوران رژیم دستگیر می‌شوند. مردم در اعتراض به این حرکت مزدوران و تسک آزادی دستگیر شدگان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

در صفحه ۱۴

اخیراً استاندار استان کردستان به میان اورگان جنگی شهر بانه که در یکی از روستاهای اطراف این شهر به نام "کاسی برد" می‌کشد یافته اند. بقیه و آنها را تهدید نمود که اگر به شهر خود برنگردند، کسین های آرزاقشان باطل خواهد شد.

به دنبال این هشدار تهدیدآمیز رژیم مردم دست به اعتراض زده و نفرت خود را از سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری املاسی به آشکارا ابراز داشتند. هم‌اکنون زحمتکشان بانه مجبورند به خاطر دریافت سهمیه گوین خود روزها به شهر بروند و شبها در شهر خان شوند.



از صفحه ۲

### بحران مناسبات ...

کسانی در کردستان برای نظر مردم کردستان ( نام مستعار حزب دمکرات ) هیچ ارزشی قابل نیستند، بهتر است نقطه دیگری را برای ادامه مبارزه و فعالیتهای انتخاباتی کنند.

( تاکیدها از ما )

و به قول حزب دمکرات در دستور فوق " عین دمکراسی است که باید دسته مردم مورد نظر حزب دمکرات به آن عمل کنند .

حزب دمکرات با چنین درکی از دمکراسی ، تصور می کند که در هر صورت چگونه و با چه استدلال ها و با چه روش های انقلابی ، کارگران و زحمتکشان را توجیه کرده و نمی کنند ؟ آیا شیوه برخوردی غیر از شیوه برخورد امروز حزب دمکرات را در پیش گرفته و می گیرند ؟ حزب دمکرات اگر فراموش نکرده باشد ، خوب است به خاطر بیاورد که همین جمهوری اسلامی درست در همان فردای تکیه بر اینکه قدرت با چه دستاویزهایی دست به سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی زد . و با چه بهره برداری تبلیغاتی بر سر صدها تن از ۹۹٪ کدائی خود ، سرنگون کردیم به قدم بر زندگی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران ، حاکم نمود . مگر اطلاعاتی و دانشی رژیم جمهوری اسلامی چیزی بیشتر از اطلاع و اجازت از نیروهای انقلابی را طلبی کرد ؟

تهدید حزب دمکرات به انتخاب نقطه دیگری برای ادامه مبارزه و فعالیت نیروهای مورد نظر حزب دمکرات ، قبل از همه تهدید دیگری است که بعد از تشکیل حزب و ستاخیز در ذهن متبادر می کند . رژیم پهلوی نیز در عریه های واپسین خود فریاد زد که با رستاخیز و نظر دیکتاتور ، یا خیر از کشور .

باست تاسف است که حزب دمکرات امروز به جایی رسیده است که دیگر علناً دست به چنین شیوه هایی در برخورد به نیروهای انقلابی زده و بعد از این تهدیدات ، رهنمودهای لازم

را نهیست برای تحت فشار قرار دادن این نیروها در مناطق ، مادر می کند که تحت عنوان شناسایی و معرفی و اثبات هویت و غیره در مقابل امتحان این نیروها از اجرای اوامر حزب دمکرات .

به آنها مشکوک شده مانند پاسدار و عامل رژیم به آنها بتنگرند و امکان هرگونه عملی زبان آور احتمالی را ... از آنها سلب نمایند . و اسم این همه را هم " عین " دمکراسی می گذارند .

حزب دمکرات برخلاف توهمات ذهنی خود ، امروز با این برخورد ها درجه بیشتر آشکار می سازد که نه تنها در عمل و در حرف توانسته است خود را با پیشرفته ترین جنبه های انقلابی و دمکراتیک جنبش کونونی مطابقت دهد ، بلکه در بهترین حالت به نمانده ای قید و شرط عقیده مند ترین نمایندگان درون جنبش در کردستان نیز تبدیل گشته است . جنبش کونونی در کردستان برخلاف حزب دمکرات با آموزش عملی از تجارب خونین شش سال گذشته در عرصه های مختلف خود ، بسیار بیشتر از آن رشد کرده است که حزب دمکرات قادر به درک آن باشد ، و امروز با توجه به چنین برخوردهایی به جسرات می توان گفت که حزب دمکرات را در پشت سر خود و در گذشته دور خود ، بر جای گذاشته است .

جنبش انقلابی در کردستان امروز قبل از همه برای رهایی از قید و بند ستم پلیس جنایات اجتمالی و اقتصادی آن و استقرار دمکراسی مکی بر اراده توده های کارگر و زحمتکش مبارزه می کند ، در چنین مبارزه ای جانی برای اقتصاد هیچ نیروی جز کسانی که بر علیه جنبش اهدائی برخاسته و در مقابل مبارزه خونین جاری برای انجام تحولات بنیادی در کردستان انقلابی صف آرای کرده باشند وجود ندارد . جنبش توده ای در کردستان برخلاف خط و نشان کشیدن های امروز حزب دمکرات ، در طول شش سال گذشته ، در هزاران مورد مشخص با آغوش باز از هر مبارزی که بر سینه دشمن متسک نشانه رود ، استقبال نموده است ، چه رسد به فرزندان دلیر خرد که در طول شش سال گذشته ، با نجسست و قسور خود ، یوزه ارتجاعی ترین دیکتاتوری سرکوبگر بورژوازی را در

کردستان بویک مالیده اند ، همان کسانی که امروز حزب دمکرات آنها را به دسته های مختلف تقسیم کرده و برای هر کدام خط و نشانی می کشد ، چهره های نا آشنایی در کردستان انقلابی نیستند و از نو به دسته های درنیامده اند که حزب دمکرات هم چون پاسدار و عامل رژیم به آنها برخورد نماید .

برخلاف تصور حزب دمکرات ، امروز دیگر مخالفت با سیاست های غیر اصولی حزب دمکرات بویژه در برخورد به درگیری های کونونی نه تنها هیچگونه مغایرتی با اهداف پیروزند جنبش انقلابی ندارد ، بلکه دقیقاً در انطباق کامل با این اهداف و عینیت مبارزه جاری در کردستان است . امروز اگر کسی می راند در مدد وارد آوردن لطافت جدی بر پیش جنبش کونونی از طریق اعمال و پیشبرد اینها آن سیاست معینی باشد ، آن کس در درجه اول خود حزب دمکرات است که با امتناع از قطع درگیری های خود با کوه ها و به تعاقب آن تهدید نیروهای انقلابی دیگر ، بهترین لطافت را نه تنها بر پیش جنبش انقلابی خلق کرد ، بلکه بر خیزش انقلابی و دستاوردهای دمکراتیک آن وارد می آورد .

طبعی است که با چنین برخوردهایی حزب دمکرات نه تنها حاضر نیست کاملاً در جهت حل مسائل گوهی کونونی در مناسبات فیمابین نیروها و قبل از همه درگیری های خود با کوه ها سرآورد ، بلکه تلاش می کند ، هرچه بیشتر بر رخات اوضاع افزوده و اهداف محدود و کوتاه نظرانه خود را در پشت سر این سیاست کاملاً محکوم ، رهنیال نماید . از این رو ما خواهان برخورد جدی و مسئولانه مردم برای انقلابی کارگر و زحمتکش ، خلق کس و کلیه پیشمردگان و مبارزان راه رهایی خلق کرد و دیگر خلقهای سراسر ایران و عموم نیروهای انقلابی و دمکرات با سیاست های کونونی حزب دمکرات که مغایر با تعاملی موازین انقلابی جنبش کونونی است ، هستیم .



سنتهای دمکراتیک در کردستان

دمکراسی به شیوه مجاهدین!

از صفحه ۲۸

اصول انقلابی و دمکراتیک در عرصه برنامه‌های رسالت سازمان هستند که احتیاجی به افزودن ندارند ولی شوق برخورد آنها با چنین اصولی انهم از همین امروز در سددوده یکسری از کانونهای گرم و پرشور مبارزه یعنی کردستان انقلابی با اصول و دستاوردهای انکارناپذیر چینی مبارزه ای مهر و نشان معین خود را در شرایط کنونی بر پیشانی خود دارد.

ایک عین ماوقع:

در روز سی ام خرداد ماه یکی از افراد تحت تنظیمات مجاهدین خلق بعد از خروج از مقر مجاهدین ، به یکی از مقرهای سازمان ما مراجعه نموده و تعالیم خود مبنی بر پیوستن به پیشمرگان سازمان ما را اعلام داشت . رفتی ما پسا پذیرش وی و بر اساس احترام به اصل آزادی انتخاب راه و مسیر آینده خود از سوی هرکسی ، این امکان را به او دادند که در مورد تصمیم خود تعمق بیشتر نموده و عکس و زمینه ها و انگیزه های خود را گزارش نماید . تا در مورد مناسبات قبلی وی با مجاهدین و اصول و وضعیت او از نقطه نظر امنیتی و تشکیلاتی اقدامات لازم به عمل آید .

اما به فاصله چند ساعت بعد از آمدن فرد مذکور به یکی از مقرهای پیشمرگان مانگهبانان مقر متوجه افرادی شدند که از گوههای اطراف با دوربین و تجهیزات دیگر مشغول شناسایی مقر ما هستند که بلافاصله به تعقیب این افراد می پردازند که نهایتاً افراد مورد نظر بعد از تعقیب به داخل مقر مجاهدین فرار می کنند . جناب این امر و نیز مراجعات مکرر مسئولین مجاهدین به مقر ما و اصرار مکرر برای ملاقات بی در پنی و سددور با فرد مذکور علیترغم دیدارهای چندین ساعته با وی رفیق مسئول مقر پیشمرگان ما ، حسب رعایت موازین اصولی در روابط فیابین نیروها از جمله اجتناب از گسیل نیرو برای شناسایی مقرهای سازمان ما و غیره طبعی نامه ای به مجاهدین در مورد توجه به

سازین مورد پذیرش و احترام کلیه نیروها در کردستان به آنها همدار داد عین نامه جنوین بسور:



خود را محق به هر گونه اقدامی برای دفاع از اصولی می دانند که مجاهدین خلق عملاً نیز از همین امروز در درد محو آنها هستند.

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۱۴۵

۲۱ / ۱ / ۴۱

با سلام و ضروری است با توجه به اقدامات پیشمرگان آن سازمان در روز ۲۰ / ۱۲ / ۶۴ این نکته را یاد آوری کنیم که در صورت نیاز به هرگونه تماس همچون تماسی سازمانهای سیاسی موجود در کردستان ، آن سازمان نیز از طریق ارگان مناسبی مشخص و مسئول اقدام نموده ، و از انضمام نیروی مسلح به اطراف مقرهای ما تحت هر عنوانی خود داری کرده ، و از تکرار برخورد روز ۲۰ / ۱۲ / ۶۴ جدا اجتناب نمایید .

طبیعی است با توجه به این واقعیت که امروز دیگر نیست شناخته شده ای در مناسبات فیابین نیروهای سیاسی در کردستان است ، تنها مراجعات رسمی از سوی آن سازمان پاسخ داده خواهد شد .

با تشکر

مسئول مقر ...

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کمیته کردستان

۲۱ / خرداد / ۶۴

اما مجاهدین خلق فدائی آن روز نیز اگر چه با توجه به هشجاری رفتی پیشمرگ فدائیی از هرگونه اقدام برای شناسایی مقرهای ما خود داری کردند ولی بازهم پیک های غیررسمی خود را بین مقر ما و مقر خودشان و به اصطلاح برای رساندن نامه های خصوصی و صحبت های خصوصی به فرد مذکور ، روانه مقر ما ساختند . که نهایتاً رفتی مسئول پذیرش پیشمرگان ما تلاشای فرد مذکور را برای مراجعه به مجاهدین تسویه حساب قطعی با آنها را پذیرفته و وی عصر روز ۳۱ خرداد ماه برای تسویه حساب و بنا به اصرار مجاهدین خلق ، به همراه دو نفر از رفتی پیشمرگ ما روانه مقر مجاهدین گشت . ولی برخلاف عرف معمول در کردستان مجاهدین خلق به جای تسویه حساب با فرد مذکور اقدام به بازداشت وی ننمودند و از بازگشت وی ممانعت به عمل می آورند . امری که مورد اعتراض رفتی پیشمرگه همراه وی قرار می گیرد . بعد از اطلاع مسئولین از موق در حدود نیمه شب اول تیرماه با توجه به اهمیت موضوع از سوی پیشمرگان ما اعلام آماده باش می گردد . وظیفه صحبتی حضوری از مجاهدین خواسته می شود دست از این بی برسی بردارند و در غیر این صورت سازمان ما

بلافاصله بعد از این واقعه ما عین مساله و اقدامات مورد نظر خود را در همان نیمه شب اول تیرماه به اطلاع تمامی نیروهای ذی نفع در منطقه رسانده ، آماده اقدام ضرور گشتیم . اما بنا به درخواست مداخله از سوی نیروهای ذی نفع مهلتی را برای هرگونه اقدام سیاسی تعیین نمودیم .

طبیعی است که بازداشت فرد مذکور که در حریم حفاظتس تشکیلات ما قرار داشت ما را به هر گونه اقدامی در جهت دفاع از این حریم محق می داشت و ما در صورت عدم موفقیت جریاناتی که خواهان فرصتی برای برخورد بودند ، حق توسل به هر وسیله ای را برای خود محفوظ می دانستیم و با تمامی قدرت در صدر پاسخ به مجاهدین خلق بودیم .

در پیجوجه این تلاشها بود که مجاهدین خلق بعد از ۲۴ ساعت و بعد از ساختها با پذیرش و اوعاب و تهدید مجبور به آزادی فرد مذکور شده و با تمامی عده و وعیدهای خود موفق به تسخیر عقیده او برای بازگشت به درون روابط مجاهدین گشتند .

بدیهی است از نقطه نظر ما تنها فرد مذکور می توانست

سنت‌های دمکراتیک در کردستان

دمکراسی به شیوه مجاهدین!

برخوردار است، سنت‌هایی که دیگر به قانین مبارزه در کردستان مبدل شده اند و اصلی‌ترین راسخ‌ترین این سنت‌ها را حفظ حریم نیروهای سیاسی و احترام به آزادی عقیده و بیان و تشکیلات و انتخاب آزادانه مسیر زندگی برای هرکسی تشکیل می‌دهد. اگر سازمان مجاهدین در برنامه خود چنین اصولی را نپذیرد و رعایت نکند، در عمل و امروز که در کردستان می‌خواهد حضور داشته باشد نمی‌تواند به بازداشت افراد و بازجویی و زندانی کردن آنها دست‌زده، حریم سازمان‌های سیاسی را متعرض قرار دهد و چنین حقی را به خود بدهد که دست‌باز بازداشت نیروی تحت‌تظلمات سازمان‌های دیگر بزند، که به اختیار خود و با آزادی کامل چنین تنظیماتی را پذیرفته است.

اگر مجاهدین قیام به نفس نموده و تصور می‌کنند که دیگران نیز هم چون خود آنها افراد را در محدوده سیم‌های خاردار اطراف مقرهایشان به زور و جبر نگه می‌دارند، سخت در اشتباهند، آنچه که در کردستان انقلابی خیلی بیشتر از آن‌هاست حتی پای مجاهدین به کردستان باز شود و حتی خیلی بیشتر از زمانی که مجاهدین هنوز آمادگی خود را برای خامنه دادن به قائله کردستان به اطلاع امام عظیم‌الشان می‌رسانند، این سنت دمکراتیک در کردستان مورد قبول و محری کلیه نیروهای انقلابی بوده و اکنون نیز هست که هر نیرویی و هر پیشمرگه‌ای رزمنده‌ای از این حق برخوردار است که آزادانه شکل، برنامه و سیاست مورد قبول خود را برای فعالیت انتخاب نماید. اگر چه مجاهدین امروز از درک چنین سائلی و از گردن نهادن به چنین حقی حقوقی فرسنگها فاصله گرفته‌اند ولی جنبش انقلابی خلق کرد برخلاف تصور و برنامه و عملکرد مجاهدین، بر چنین دستاوردهایی نه تنها اکتفا نمی‌کند، بلکه با تمام سعی موجودیت خود صمم به حفظ و تحکیم و پیروز نمودن چنین اصولی در مقابل هرگونه حرکت

تعمیم بگیرد که، می‌خواهد در روابط سازمان مجاهدین بماند یا خیر. اعمال تهدید و اجبار از سوی مجاهدین، و بازداشت نامبروه که تحت‌الحفظ پیشمرگان ما به آنجا مراجعت نموده‌اند، نه تنها توهینی به حق آزادانه تعیین راه و مسیر فعالیت آنی خسور از سوی فرد مذکور، بلکه هست حرمت نسبت به سازمان محسوب می‌گشت.

در این میان آنچه که اهمیت دارد، و باید درس‌گیری برای امثال مجاهدین خلق باشنده ضورث انتخاب از هرگونه برخورد ضد دمکراتیک در محدوده جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد است که ما خود را قیام ملتزم به حفظ و دفاع از دستاوردهای تاکنونی آن می‌دانیم دستاوردها و اصولی که بیشتر از شش سال مبارزه خونین برای تحکیم و پیروزی آنها در کردستان انقلابی به پیش برده شده است و هم چنان با قدرتی هر چه تعاضد در جریان است.

سازمان مجاهدین که اینک نه تنها در عرصه برنامه‌ای، بلکه در عرصه برخورد‌های سیاسی و عملی خود نیز هرگونه اصول و پرنسیب انقلابی را به کثاری نهد و در تدارک دیکتاتوری جنیدی تحت عناوین مختلف است، نه تنها خواب تصرف ماشین حاضر و آماده سرکوب ارتجاعی و سرکوبگرایی پرروازی ایران‌رایه گور خواهد بود، بلکه از همین امروز نیز هر گامی که در جهت اجرای برنامه ارتجاعی خود، و در جهت محو و پایمال نمودن حقوق دمکراتیک و مسلم در درون جنبش انقلابی بردارد یا عکس‌التعمیل شدید نه تنها ما بلکه کلیه نیروهای انقلابی مواجه خواهد گشت.

هرگام جنبش کنونی یا خون دها هزار نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان هموار شده است و امروزه، بویژه در جنبش انقلابی خلق کرد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست که برای حفظ و تحکیم وضعیت دمکراتیک کنونی چه بهای سنگینی پرداخته شده است و جنبش کنونی با تمامی دستاوردهای آن چه آمال و اهدافی را دنبال می‌کند آمال و اهدافی که فرسنگها از اهداف نیروی همچون مجاهدین فاصله دارد. جنبش انقلابی خلق کرد، امروز از ستمهای دمکراتیک شناخته شده‌ای

ضد دمکراتیک، سرکوبگرانه و ارتجاعی نیز هست. پشت سر این سنت‌ها، اراده محسوس قدرتمند جنبش انقلابی توده‌های زحمتکش خلق کرد ایستاده است، اراده‌ای که حقانیت خلق کرد را در طول شش سال گذشته به نحو احسن به اثبات رسانده است. و مبارزه بی‌امان و روبه گسترش و حاد امسروز و چشم‌اندازهای پیروزمند این جنبش همه و همه شاهد بی‌قید و شرط این مدعاست. ایبری که مجاهدین خلق و امثال آنان قادر به درک آن نبوده و نیستند، فقط مجبورند در مقابل چنین اراده‌ای زانو بزنند.

از صفحه ۱

چند خبر از سنج

شده، و مزدوران رژیم پاناملسه مجبوره ترک محل می‌گردند.



در بازدم تیرماه، طی یک اقدام ارتجاعی مزدوران شهرتانی شهر سنج، با محاصره خیابان فردوسی، بساط دست‌فروشیای کنار خیابان را برچیده و به چنان مردم دست‌فروشیای بیگانه این خیابان می‌افشند و تمامی صاقل دست‌فروشیها را به فشارت برده، هرگونه امکان بیدر کارو کاسبی بخور و نمیر آنها را از میان می‌برند.



در نیمه دوم تیرماه نیز در محله "شرف‌آباد" تعدادی از مزدوران جوانی را مورد حمله قرار داده به ضرب و شتم و شکنجه و آزار او دست‌می‌زنند. این مزدوران جوان مذکور را به حدی شدید مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که بلا فاصله بی‌هوش می‌شود و سپس با قساوت تمام او را با شال خود بر روی زمین می‌کشند. این عمل درمناشه مزدوران رژیم، اعتراض و شتم و آزار و شکنجه اهالی محل را بر من انگیزد که با فریاد مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی به سوی مزدوران حمله ور شده، و جوان یاد شده را از چنگ این جنایتکاران ارتجاعی نجات می‌دهند.

نگاهی به

مبارزات توده‌ای ...

وحشیانه‌ترین حربه‌ها، اذیت و آزار و ضرب و شتم پیدرو جوان به آتش کشیدن خانه‌ها و مزارع، دستگیری و زندان، گسار لهر، خمیازه باران روستاها هیچکدام قادر به مقابله یا نیروی اراده و عزم صدم زحمتکشان خلق کرد نیستند.

رژیم جمهوری اسلامی برای منکوب ساختن مبارزات مردم کردستان در منقشه‌ها تیرین شیوه‌های سرکوب را به کار بسته است و هر روز در هر گوشه از کردستان در همسایگی جنایت فجیع آفریده است. مزدوران رژیم طی بدوشی به روستای گلکان کانی در منطقه ارومیه به طرز ناگهانی خانه و گاشانه زحمتکشان را به زور بولدز گرفته و وحشیانه بدون حتی کوچکترین فرصتی به ساکنین آن، که بتوانند وسایل زندگی محترشان را جمع آوری نمایند، دست به تخریب و ویران کردن آنها زدند و کودک و پیدرو جوان را آواره نمودند.

مزدوران رژیم بدوشی اهالی روستای "شم ته گان" از روستاهای منطقه ارومیه که دست به اعتراض علیه توپ و خمیازه باران خانه هایشان زده بودند، آتش گشودند و به بیانه جلویگری از حرکت پیشمرگان انقلابی در مسیر تردد زحمتکشان مهن گذاری کردند. مزدوران رژیم باحمله به روستای "قوله سدیری" در منطقه باوار سردشت برای کشاندن اهالی به درون پایگاه مزدوران بدون توجه به اعتراض زحمتکشان به ضرب و شتم آنها پرداختند و دست و پای چندین نفر را شکسته و یک زحمتکش معترض را در جلو چشمان به تازده اقوام و خوشاوندانش گلوله باران نمودند و در پایخ خشم و نفرت اهالی، آنان را به گلوله بستند و یک نفر دیگر را نیز در خون خود غرقه ساختند.

مزدوران رژیم زحمتکشان روستای "کونه خان" از توابع پیرانشهر را که از ترس بهاران در طی روز روستا را ترک و به کوههای اطراف پناه برده بودند، به هنگام بازگشت مورد بدوش قرار

داده به اذیت و آزار آنها پرداختند. و در روستاهای ناصر آباد، گونجدرین و لوشان در منطقه ارومیه را به بیانه اینکه قادر به کنترل آنها نیستند ویران ساختند.

طی این سه ماه نزدیک به ۳۶ تن از اهالی بی دفاع روستاهای کردستان توسط مزدوران رژیم در خون خود غلطیده و درها نفر دستگیر و خانه و گاشانه درها زحمتکش روستاهای کردستان ویران گردیده است. آنها تنها جلوه‌هایی از نیروها و تالیج سرکوبی است که به طور روزمره علیه توده‌های انقلابی خلق کرد به کار بسته می‌شود. رژیم برای تحقق هر کدام از سیاست‌هایش در کردستان نظیر سرانگیری اجباری، تسلیح اجباری اهالی روستاها، اخاذی مالی از زحمتکشان، استقرار پایگاههای نظامی، برقراری خوراههای اسلامی، تخلیه و تخریب روستاها، بیشترین نیروی سرکوب را متحرک ساخته و خشن‌ترین شیوه‌ها را اتخاذ نموده است. اما همانطور که روند مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد نشان می‌دهد در کردستان انقلابی تاکیستیک و شیوه‌های مختلف سرکوب رژیم کارایی خود را از دست داده‌اند.

با این وجود، تا زمانیکه مبارزه انقلابی توده‌ها بنیان حاکمیت جمهوری اسلامی را از ریشه بر نماند اختنه است، رژیم از شیوه‌های سرکوبگرانه دست نرفته و مدام می‌کوشد تا ضربهات بیشتری به جنبش توده‌های کردستان وارد آورد.

سیر انقلابی مبارزات توده‌های در کردستان بیش از پیش عیب‌بودن تلاش‌های بی‌فرجام رژیم را به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد که مبارزات مردم کردستان با ضمون طبقاتی مشخص و عمیق‌یابی هرچه بیشتر در هر گام استحکام بیشتری یافته است.

در طی حرکات توده‌های انجام شده، غالباً اعتراضات و مقاومت‌های دسته جمعی از یک عکس العمل واکنشی ساده شروع و تا حرکت‌های گسترده و زرد و خورده‌های وسیع مصلی ارتقاء یافته است. معمولاً شکل هر حرکتی را زمینه‌های مادی و موقعیت عینی توده‌های معترض تعیین می‌کند. از همین رو نیز متناسب با زمینه‌های مادی ما

شاهد شکل‌گیری حرکت‌های محدود و کم‌دانه ویا وسیع و پر دامنه در مبارزات انقلابی توده‌ای هستیم.

عنه سیاست مبارزاتی اجباری

تسلیم اجباری

به دنبال اینکه سرکوبگران جمهوری اسلامی طی اسفندماه در نواحی شمالی کردستان به منظور تحمیل سیاست تسلیم اجباری به اهالی روستاهای قلعه زرد، چه روستای آخ ویران، آمیناوک، و چهارستون و "ماج وای" فشار وارد آوردند، مخرج اعتراض وسیعی در بین اهالی روستاها برانگیخته شد.

زحمتکشان تا وادار ساختن رژیم به عقب‌نشینی از اجرای این سیاست ضد خلقی دست‌انگیزات خود برنداشته و به اشکال مختلف تنفر خود را از اجرای این سیاست ابراز نمودند.

مزدوران ابتدای طبی معمول و روش همیشگی اذیت و آزار اهالی را در پیش گرفتند. صحنه‌ها تهدید به تخلیه چند روستا و تخریب آنها درمورد به تسلیم کشیدن روستائیان برآمدند.

زحمتکشان با مقاومت دسته جمعی از تن سپردن به این سیاست سر باز زده، و با صراحت به عوامل رژیم اعلام کردند "ما حاضر به برداشتن اسلحه رژیم نیستیم". آنان برای گسترش اعتراضات خود به صورت دسته جمعی به شهر سلیمان و مراکز قدرت رژیم مراجعه نمودند و علناً علیه سیاست‌های ارتجاعی رژیم به شعار دادن پرداختند.

همچنین به روستاهای "چه نکه سر"، "سیوه دور" و "وریک" که قبلاً نیز سرکوبگران رژیم دست به تهدید و آزار آنها زده بودند مورد حمله وحشیانه مزدوران قرار گرفت. اما این وحشیگری‌ها در روحیه اعتراضی توده‌های اهالی بی‌تاثیر نبود.

در بیست و دوم فروردین ماه، هنگامی که مزدوران به اهالی روستای "تسه سر" برای تسلیم شدن در برابر سیاست مبارزاتی اجباری فشار آوردند، اهالی بطور دسته جمعی تصمیم گرفتند تا برای ابراز اعتراض مستقماً به خود پایگاههای رژیم مراجعه نمایند.

اولین پایگاه با بسی تفانسی در صدر تخطئه میآید. اما زحمتکشان بر خواست خود پای فشردند و بیست پایگاهی دیگر به حرکت درمی آید. اینبار یک ستون لغزانی مانع حرکت آنها می شود. اما صانعت مزدوران توانست روحیه لغزانی مردم را تضعیف نماید.

در حرکات توده ای انجام شده که عمدتاً با عقب نشینی مزدوران رژیم خاتمه یافته و هیجکدامه عنصر متزلزل و تردید در رفتار اهالی معترض مشاهده نمی گردد. آنها عصبانیه برخوردت خود بصبر بوده و مخالفت آشکار خود را با سیاست های ارتجاعی رژیم به نمایش گذاشته اند.

به دنبال اعتراضاتی که در شمال کردستان انجام گرفت، در مناطق جنوبی نیز رژیم به وسیله سیاست سرمایه گیری اجباری کشید تا بهر نحوی از اتحاد اهالی روستا ها را در برابر خود به تکمیل وادارد.

در اولین روز های بهار اسامی رژیم به روستاهای اطراف میسران نظیر: "المانه"، "گولانه"، "انجمنه"، "درگا شینان"، "سروآباد"، "گورگه ای"، "قلعه گاه"، "قلعه چلی"، "تازه آبابو" تظلمی و "تخان" پدوش آورد.

مزدوران رژیم با اذیت و آزار اهالی روستاها تقاضای می کردند تا جوانان را به آنها تحویل دهند. در هیچکدام از روستاهای فوق الذکر اهالی در برابر این خواست مزدوران مقاومت ننشاندند و با بلند کردن بدای اعتراض خود مخالفتشان را ابراز نمودند.

هنگامی که رژیم اقدام به دستگیری عده ای از جوانان کرد، زحمتکشان با مداخله و کنشش اعتراضات خود از اقدام رژیم معانعت به عمل آوردند. حتی به روستای "انجمنه" رژیم چهار بار پدوش آورد. ولی هر بار زحمتکشان بر حرف اول خود پای فشردند که "ما حاضر به دادن سرباز برای رژیم نیستیم". بالاخره اذیت و آزار مردم به مزدوران تنجه ای نداد و آنان

### نگاهی به

## مبارزات توده ای...

دست خالی و سرانگنده روستا را ترک کردند.

مزدوران رژیم که درمانده و زمین در مقابل نیروی زحمتکشان وادار به عقب نشینی شده بودند، تلاش های تازه ای را از سر گرفتند و کوشیدند تا با تسلیح روستائیان به نحوی دیگر آنان را تابع سیاست های ضد خلقی خود نمایند. رژیم با استفاده از عناصر فرصت طلب و عده ای خائن توانست تاسا در روستای "پوشیان" عده ای را مسلح نماید. اما اهالی روستاهای منطقه از جمله "ول"، "گله"، "سورگه ول"، "مولینان"، "لاویسان"، "جاوگلسان"، "بنجر"، "برده سی"، "مام واله" و "بلجه سور" با هوشیاری انقلابی نقشه های رژیم را نقش بر آب کرده است. به اعتراض دسته جمعی می زنند و رژیم وادار به عقب نشینی می گردد.

مزدوران پایگاه سورگه ول به دستور فرماندهان ضد خلقی حین تردد اهالی روستا را هدف گلوله قرار می دادند.

زحمتکشان برای حفظ جان خود و فرزندان شان ابتدا تجمع نموده و سپس به طور دسته جمعی به سمت پایگاه مزدوران به حرکت درمی آیند.

این حرکت اعتراضی مورد حمایت اهالی روستای پوشیان قرار می گیرد. روستائیان خواستار تعویض فرمانده پایگاه می گردند که در مقابل، مزدوران قبول سیاست های ارتجاعی رژیم را از آنها طلب می کنند که باز هم اهالی ضمن اعتراض حاضر به تسلیم نمی شوند.

در منطقه سنندج که رژیم به ضد دستگیری جوانان شبها روستاها را محاصره خود درمی آورد در اثر هوشیاری انقلابی زحمتکشان در حد ناچیزی توانست به اهداف خود دست یابد. این در شرایطی

بود که علاوه بر انگار رژیم به جا حوسان محلی اینگونه اقدامات همواره توأم با اعمال بدترین فشار و اختناق بوده است.

در پی ورشکستگی سیاست های رژیم اهالی روستای "آخ کند" از منطقه "سقر" و اهالی روستای "پهوران" از منطقه "سردشت" که تحت فشار تسلیم شده بودند، نیز طی حرکت های اعتراضی تصمیم به پیسر دادن سلاح ها به رژیم می گیرند. رژیم اهالی روستای "آخ کند" را تهدید به سرمایه گیری اجباری نموده و روستای "پهوران" را به زیر آتش توپ و خمپاره گرفت. بسا این وجود اهالی همچنان بر خواست خود پای فشردند.

در منطقه "ربط رژیم شیوه های دیگری برای اجاب اهالی به کار بسته است. در اطراف روستای "نتان" پایگاه نظامی مستقر نموده و با زور از مردم خواسته است تا اسلحه رژیم را بپردازند و در برابر مقاومت آنها به صویشان تیراندازی نموده و روستا را با سم خاردار محصور نموده است تا تردد افراد را محدود نماید.

هیچکدام از این حربه های کهنه شده توانست مردم را به تسلیم وادارد. سرانجام نیز وقتی که فرمانده مزدوران تهدید کرد که یا "اسلحه" رژیم را بپردازید و یا روستا را تخلیه کنید زحمتکشان روستا به خاطر تن ندان به تنگ تسلیم خانه و کاشانه خود را رها ساخته و آواره مناطق دیگر شدند.

طی سردار ماه رژیم کوشید تا با تأسیس پایگاههای جدید در منطقه "سردشت" اهالی روستای "پاساوی" را به تسلیم در برابر تسلیح اجباری وادار نماید که در اولین قدم با مقاومت شدید اهالی روستا روبرو می گردد.

اهالی روستاهای "سرجنار"، "قاغ کنیدی"، "سه وزی"، "غوث آباد" و "خطائسی" با مقاومت در برابر فشارهای رژیم برای تسلیح اجباری تن به این سیاست ندادند.

رژیم در منطقه "شارویران" مهاباد دست به تشکیل شواهای اصلاحی زد تا با ایجاد

# پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

با مزدوران رژیم کشید، لیکن گرایش عمومی حاکم بر آنها اهداف و مقاصد مشخص را دنبال می نمود. اهدافی که از تعمیم خواست های مرحله ای جنبش ریشه گرفته است و جهت تیز پیکان را به سمت سرنگونی رژیم برچیدن بساط ارگان های سرکوبگر و ماشینی دولتی حاکم قرار داده است.

بهرحال آنچه که از بررسی مختصر مبارزات توده‌ای مردم کردستان طی سه ماه گذشته می توان نتیجه گرفت، این است که مجموعه حرکات و اعتراضات توده‌ای انجام شده در حین برخورداری از یک محتوی و مضمون انقلابی مشترک و جهت و اهداف واحد، عمدتاً به شکل پراکنده صورت گرفته و متناسب با ویژگیهای محلی هماهنگی و پیوند لازم بین اشکال و حرکات مبارزاتی انجام نشده وجود نداشته است.

اخبار مبارزات شهرها و روستاهای کردستان بیانگر این واقعیات است که در این مرحله خطیر از سرخوش جنبش انقلابی توده های مردم از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار بوده و قابلیت فراروشی به اشکال پیچیده تر و مضمون عالی تر مبارزه را دارا هستند. از همین رو چشم انداز کنونی نشان می دهد که مبارزه توده‌ای در روندی روبه رشد، پیشرفته‌ای تعیین کننده ای را در جنبه انقلابی کردستان برعهده خواهد داشت و در همین تحولات انقلابی با زنتی سنگین تاثیرات خود را برجای خواهد گذارد.

بکسری از روستاهای صری را نیز فراگرفت.

در این اعتراضات خواستهای کارگران و زحمتکشان که در شعارهای آنان تجلی یافته بود، به گونه‌ای دین نشان داد که در کردستان انقلابی رژیم جمهوری اسلامی علی‌رغم همه نیرو و امکاناتی که به خدمت گرفته، تاکنون بر از گذشت ۶ سال نه تنها نتوانسته است گامی در جهت تثبیت حاکمیت رجالی خود بردارد بلکه شدیداً مورد تنفر توده های مردم قرار دارد.

در این سری اعتراضات و مقاومت های توده ای که تنها گوشه ای از حرکت جنبش انقلابی خلق کرد را نشان می دهند، می توان واقعیات ارزنده کیفی و تکامل روند مبارزات توده ای را علیه حاکمیت مستکبران جمهوری اسلامی مشاهده نمود. رژیم برای پیشبردن سیاست سرکوب و درهم شکنی اراده توده های زحمتکش و منکوب نمودن خواستهای بحق آنان مزدورانه به همه تاکتیک و شیوه ای، متوسل می گردد. اما در واقعیات عینی نیز مبارزات توده ای علی‌رغم تحمل ضربات، بازهم با تغییر اشکال و تاکتیکها راه خود را از میان محدودیتها و سختیها باز می کشاید.

اگر چه اعتراضات توده ای در کردستان طی ماههای اخیر عمدتاً به صورت واکنشی در برابر حرکت مشخص سرکوبگرانه رژیم صورت گرفت و به طور خود بخودی به صف آرایی و تقابل قهرآمیز

## نگاهی به مبارزات توده‌ای...

ارگان های فرب و جاسوسی تکه تکه های مناسبی برای پیشبرد حرکت های ضد خلقی اثر در منطقه فراهم آورد.

کمیته اقدامات رژیم که در روستای "دول سنجان" در منطقه مهاباد به عمل آورد تا سیاست تبلیغ اجباری را پیش می برد تا کام مآند.

رژیم پس از شکست های پی در پی و در آن اکتفمال و درماندگی برای تبلیغ روستای باغلوچه در منطقه سنجان ابتدا زحمتکشان را دستگیر و پس از ازیت و آزار از قسط هراس سلاح بدین سوزن به آنها تحویل می دهند. مزدوران رژیم بعد از اعتراضات و مقاومت های مردم آنان را به گلوله می بندند و اهالی برای مقابله با سیاست های رژیم روستای خود را تخلیه و آواره می کنند.

در ماههای اخیر علاوه بر اعتراضات گسترده ای که علیه سیاست آزار و اذیت و علیه سیاست تبلیغ و سوزناگری اجباری صورت گرفته، در جریان بهاران شهرهای کردستان موجی از تظاهرات و اعتراضات ضد جنگ و ضد رژیم شهرهای پدانشهر، سنندج، کرند غرب، شهر ربط و

از صفحه ۲۷

## خلق کرد پیروز است

مخضضانه یورش رژیم منجر شده است.

در این ماه پیشمرگان ۱۴ بار به کمین گذاری در محل تردد مزدوران رژیم در جاده های مختلف و کنترل جاده های اصلی نتوانند جاده اورمیه - تهران، جوانسرو - کرمانشاه، سردشت - پیرانشهر، سنز - سنندج و سنندج - سردان، برداشند و طی آنها ضربات میلیتی به سر مزدوران رژیم وارد آورده اند. ۱۵ مورد دست به مین گذاری

در محل رفت و آمد مزدوران رژیم زده ۱۱۰ بار به مراکز مهم تجمع نیروهای رژیم در شهرهای سرامر کردستان همچون پیرانشهر، سنندج، سردان، سنز، بوکان و مهاباد... حمله برده اند.

مجموعه عملیات یک ماهه پیشمرگان قهرمان خلق کرد حدود ۸۱۴ نفر از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده یا زخمی شده اند. ۴۳ نفر از آنها به اسارت پیشمرگان درآمده است که در میان گفته شده ها ۱ نفر از فرماندهان مزدور و رهبرهای اصلی سرکوب رژیم شناسایی شده اند.



انتقاد و انتقاد از خود  
بشیوه کمونیستی

منتشر شد

از انتشارات کمیته کردستان  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران





# حمید اشرف...

درگیری با ساواک و دیگر مزدوران مسلح رژیم، حمله های خونین، آفریدن آنان تا آخرین گلوله های خود شجاعانه به نبرد انقلابی پرداخته و ضمن به هلاکت رسانیدن شعاری چند از پرکو بکران، سر فرازانه در راه سرخ آرمان های والای طبقه کارگر جان باختند و هیچکس زنده به دست مزدوران نیافتادند.

طی این درگیری خونین و نابرابر، رفیق حمید اشرف یکی از برجسته ترین رهبران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به همراه تنی چند از همسران سنگراتش رفقا، یوسف قانع خلیلک بیجاری، عبدالسرفا لایق مهربانی، رضا پشیری، فاطمه حسینی، محمد حسین حق نواز، طاهره خرم، علیر حسینی ابرر، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط، پیروز و علی انور وزیرری به شهادت رسیدند.

رژیم آریامهری پراز این درگیری، از دستگاههای مریض و طویل خود به تبلیغات وسیع و گسترده ای دست زد، و مذبحخانه تلاشی نمود که چنین وانمود کند که بر دشمنان پرخست و مقاوم خود قاطع آمده است و به عبت سعی داشت تا آنها پایان زندگی پر خروش و حماسه آمیز فدائی خلق طمس کند. ضربه، اگر چه سخت و هولناک بود اما، تبلیغات بی های رژیم هیچ طرفی از کزافه گوئی های خود نیستند. واقعیت این بود که فدائیان خلق در دل کارگران و زحمتکشان جای خود را باز کرده بود و مبارزه خونین و ستیزنداش بر حیات اجتماعی کلبه مبارزین در پهنه مبین اثرات تکان دهنده و انقلابی وبه ویژه روشنگرانه خود را برپسای گذاشته بود. مبارزه خونین و بی امانی که بذران در جنگ های سیاهکسل افشاندن شده بود، طی گذشت ه سال با خون سرخ دهبای فدائی آبیاری شده و در دل جامعه ریشه دوانده بود و در کوران سخت مبارزه به آنچنان درخت تنومند و ستبری تبدیل شده بود که نه تنها دستگاه سرکوب و تبلیغ رژیم شاهنشاهی،

بلکه هیچ نیروی قادر به درهم شکستن و نابودی آن نبود.

رفیق حمید که در مقطع رستاخیز سیاهکل مسئولیت ارتباط تیم شهر و کوه را به عهده داشت، پس از ضربات سال ۵۰ که سازمان دچار مشکلات سخت و جان فرسائی شد با عزمی استوار و آهنین به ترمیم و بازسازی تشکیلات پرداخت و با تلاشی بی گیر و همد جانبه، با اتکا به قدرت شکر فرازمانگری خود، سازمان را از نو احیا نمود. او که به نقش و اهمیت سازمان در جنبش انقلابی آگاهی داشت و ضرورت ادامگاری و بقا، رزقنده آن را به مثابه یک تشکیلات کمونیستی، با تمام وجود درک نموده بود، در مقابل دشواریها، به استواری کوهی ایستاد و با جسارت کمونیستی ضمن شناخت وضعیت مشخص و بیخ و خم های آن، شرایط لازم را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا می نمود.

رفیق حمید، این قهرمان مقاومت و پایداری، طی بیش از سیزده سال، فعالیت مبارزاتیسی خود، عالی ترین خصائص و قابلیت های انقلابی را در خود پرورش داده بود و به یک انقلابی بی نظیر، سازمانگری کاروان و ورزیده تبدیل شده بود. او در زندگی انقلابیش نمونه بارز یک انسان طراز نوین بود، در حالیکه از دشمنان خلق کینه ای سخت و سنگین در دل داشت، به کارگران و زحمتکشان عشق عمیق می ورزید. در عرصه تشویری صمم و خستگی ناپذیر، بر موازین و اصول افتقادی سازمان پای می نشاند و محک صحت و درستی مفاهیم مارکسیسم-لنینیسم را بر پایه عینی و واقعی می دانست. او نسبت به افراد مرددی که در نیمه راه از خود ضعف و تزلزل نشان می دادند، و یا کسانی که در حرکت مبارزاتی پر نسیب های انقلابی را رعایت نمی کردند، برخوردی قاطع و بی رحمانه می نمود، و مدافع جدی نظم انقلابی و کمونیستی تشکیلات بود.

رفیق حمید در برخورد با پلیس، تیز بین و هوشیار بود و در اتخاذ تاختیک و عکس العمل به موقع و مناسب، ابتکار و خلاقیت در خور نقابش داشت و از این رهگذر توانسته بود ۱۶ بار تور پلیس را شکسته و از محاصره مزدوران جان سالم بدربرد.

برامنی رفیق حمید اشرف فدائی کهنه خلق انسانی از سوخت صخره بود. یادش گرامی و رزمش پایدار.

امروز که ۹ سال از شهادت رفیق حمید می گذرد، در شرایطی یاد او و عمر زمان او را گرامی می داریم که سازمان ما در ادامه راه سرخ و خونین این رفقا، پس از پشت سر نهادن ضربات متعدد در طول حیات خونینار خود با یک پشته سوانه و اعتبار توده ای به بزرگترین سازمان کمونیستی سراسری تبدیل شده است و از سوده سر و سخت کوشش تر از پیش و با به کارگیری کلبه تجارب مبارزاتی جنبش انقلابی، با گام های هرچه استوارتر در جهت سازماندهی طبقه کارگر ایران و توده های انقلابی، برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به پیش می رود. رژیم ارتجاعی و فاسد جمهوری اسلامی، به رغم ادامه شیوه های ضد انقلابی املاف شاهنشاهی خود و سرکوب خونین و عتبان کسخته کمونیست ها و توده های انقلابی به پا خاسته، هرگز توانسته و نخواهد توانست سدی در مقابل ادامه بی وقفه مبارزات انقلابی و بی امان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ایجاد کند. و امروز که در یکی از بحرانی ترین دوران حیات جامعه ما، مبارزات انقلابی توده ها و در راس همه، طبقه کارگر ایران، هر روز عمق و گسترش بیشتری می یابد و بر بنسبیر بحران اقتصادی - سیاسی موجود توده های انقلابی هر روز بیش از پیش به مبارزه آشکار و علنی روی می آورند، و دور نیست روزی که طوفان خشم و کینه کارگران و زحمتکشان آنچنان حریفی بها کند که رژیم فاسد ارتجاعی جمهوری اسلامی در آتش شعله های آن به تلی از خاکستر تبدیل شود و وظیفه سنگینی بر دوش سازمان ما به عنوان یگانه مدافع منافع طبقه کارگر در جنبش صوموسی توده ها، قرار گرفته است. بگوئیم در هر کجا که هستیم با قنوق به این وظیفه تاریخی سازمانمان در جنبش کمونیستی با استواری تمام به وظایف انقلابی خود عمل کنیم، همانگونه که رفیق حمید - پسران عمل کرد.



# گردستان

این گردستان است  
گردستان ایران است

که چنین در خون می درخشد  
ایمن آنها که امروز در رخ فروخته اند  
این آتشیای تکه تکه شده خون  
این آتشیای شانه و پیشانی و قلب  
این آتشیای که از بند بند گردستان زیاده  
می کشند

فاتحوم ها را می سوزانند

تاکه ها را می سوزانند

امپریالیسم و عمالش را می سوزانند

این آتشیای که در بغض مادران فریاد می کشند

در مشت کینه فرزندان فریاد می کشند

در پشت خمیده پدران فریاد می کشند

و در چشم انداز فرزندان رحمت و نبرد

خورشید آزادی می شوند

خورشید نان و کار و لیکنند

و بر پرچم سینه صلیب می تابند

پرچمی که در دست خونین مقاومت

در آسمان گردستان به گردش درآمده است

فدائی شهید  
محمد سلطانپور

## ★ گرامی باد یاد شهدای قیصرماه

باد جان باختگان قیصرماه  
فدائیان خلق مبارزان خستگی  
نازیبر رهائی کارگران و  
زحمتکشان و خلقهای سراسر  
ایران، ملخسوران پاک باخته  
که با اراده و عزم آهنین خود  
سرت را تحقیر نمودند و بیعت  
و هراس بر دل مستکبران و  
سروکوبگران خلقهای سراسر ایران  
آفتابند.

- کاظم قهرایی
- محمد علی خسروی اردبیلی
- نستون آل آقا
- گلرخ مهدوی
- نایملی پورنغمه
- هارون قازاریان
- نزهت السادات ز می آهنگران
- قلا معلی پورنغمه
- محمود مظهری بلوریان
- پیرالله زارع کاربندی
- دکتور نورمحمد
- محمد رضا صاب آزاد
- دلیرها الماسی
- سعید فرزانه
- محمد آریان
- بهزاد امیری روان
- افروز السادات حسینی
- نادره امید هاشمی
- سیمین توکللی
- علی خصوصی
- کاظم سلاجقی
- احمد خرم آبادی
- اکبر حق بیان
- خسرو مائی
- شفیع رضائی
- تادر آبادی
- علی اکبر حیدریان
- یوسف قائم خشک بیجاری
- غلامرضا لایق مهربانی
- رضا پیشروی
- فاطمه حسینی
- محمد حسین حق نواز
- طاهره خرم
- عسگر حسین ابهرده
- محمد مهدی فوقانی
- قلا معلی خراط پور
- علی اکبر زهری
- رفیق کیسر حمید اشرفی
- گرامی باد.

ادب و فرهنگ ۳

## علیه سیاست

در آتش زدن رویتاهای شمال  
گردستان، چهره کیهان رژیم  
جمهوری اسلامی را هرچه بهتر  
آتشها نموده و به هر وسیله  
ضامن و با تمام قوا علیه  
سیاست ارتجاعی به آتش کشیدن  
رویتاهای مقاوم گردستان توسط  
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی  
به مبارزه برخیزند. و از کارگران  
و زحمتکش خلق کرد و دیگر  
خلقهای سراسر ایران می خواهیم  
که به هر طریق ممکن فریاد  
اضراض خود را علیه این رژیم  
رژیم در گردستان بلند نموده،  
با تشدید مبارزات خود، امکان  
اعمال چنین سیاستهایی را از رژیم  
جمهوری اسلامی سلب نمایند.

به دفاع برخاسته اند هرگز  
تسلیم خواستهای امروز رژیم  
نخواهند شد.

ما از کینه نیروهای انقلابی  
و دمکرات می خواهیم که بسا  
افشای جنایات رژیم در گردستان  
به پیشبرد جنایات اخیر رژیم

داخل شهرهای کردستان داشته اند.

در طول یک ماه گذشته پیشمرگان خلق کرد، مجموعاً شش پایگاه رژیم را تسخیر و مزدوران مستقر در این پایگاهها را خلع سلاح و اسیر یا بهلاکت رسانده اند. همچنین پایگاههای مستقر در روستاهای خدیجی، پیروز، تاوه بان، روستای کونای، پایگاه و مقر مزدوران در "توار ملا" و پایگاه کویچه در "پولسه" سرارال که بعد از تسخیر تمامی تاسیسات نظامی آنها منهدم گردیده است. پیشمرگان خلق کرد علاوه بر تسخیر شش پایگاه فوق الذکر ۱۸ بار به پایگاههای مختلف رژیم در طول یک ماه گذشته حمله نموده و در هشت مورد تاسیسات مهم رژیم را منهدم ساخته اند.

هم چنین در ۳۷ مورد پیشمرگان به مقابله با پوشرهای مزدوران پرداخته اند که در بسیاری از آنها هرچون پیرویش رژیم به روستاهای "ننگاش"، "تپله کور"، "سولسه" و "ده ره بیان شیخ" و عملیات منطقه، الان سردشت، به شکست در نتیجه ۲۴

☆  
**خلق کرد پیروز است**  
جدول یک ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلع سلاح کرد

مهم جمهوری اسلامی وسایست های آن در کردستان عمل میکنند.

جدول زیر نموداری از تحریک یک ماهه پیشمرگان خلق کرد است که در مقایسه با ماههای قبل بیانگر، تحریک نسبتاً بالای پیشمرگان در این ماه و در فرودکش صوخت درگیری های فیمابین حزب دمکرات و کومه له است.

در طول یک ماه گذشته، پیشمرگان قهرمان خلق کرد بیش از ۱۰۹ مورد عملیات مهم از زمین و کنترل جاده های اصلی، زمین گذاری در جمل های سردر، مزدوران رژیم، مقابله در برابر پیروش های نظامی و حمله به پایگاهها و خلع سلاح آنها و حمله به مراکز مزدوران رژیم در

وقته کوتاهی که از کاهش شدت درگیری حزب دمکرات و کومه له در یک ماهه اخیر، به وجود آمده و بلافاصله تأثیرات خود را در تحریک پیشمرگان هر دو نیرو در مقابله با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، و تمسک در عملیات دلبیرانه این فرزندان جسور خلق کرد به دشمنان و سرکوبگران جنبش انقلابی در کردستان آشکار ساخت. هرچند درگیری های این دو نیرو بطور پراکنده و موضعی ادامه داشت و مهم تر از همه فضای حاصله از تداوم آنها، هرگونه تحریک قابل ملاحظه ای را در مراکز کردستان تحت الشعاع قرار داده است؛ اما همین کاهش یافته درگیری ها نیز بلافاصله تأثیرات مهمی این درگیری ها بر روند کنونی مبارزه مسلحانه علیه رژیم را به نمایش گذاشت. در این ماه تحریک پیشمرگان به مراتب گسترده تر از ماههای پیش بود. این امر تأکیدی بر جسد بر این واقعیت است که ادامه انگار ناپذیر بود. که ادامه این درگیری ها تا چه حد تأثیرات زیانبار در جنبش کنونی بر جای گذاشته و چگونه به نفع

**غنائم بدست آمده**

۱۳۸	جنگ افزار انفرادی
۱۷۰	انواع نارنجک
۹	سی سهم
۵۱۳۹۸	انواع فشنگ
۵۲۹	خشاب
۱۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۰۵	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۴۹	بهرستن فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

**تلفات دشمن**

۸۱۴	کشته و زخمی
۴۳	اسرای دشمن
۳۵	خود رو منهدم یا معادله شده
۱	سلاحهای منهدم شده
-	سپات منهدم شده

**جدول یک ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلع سلاح کرد**

۲۷ خرداد ۲۷ تیر

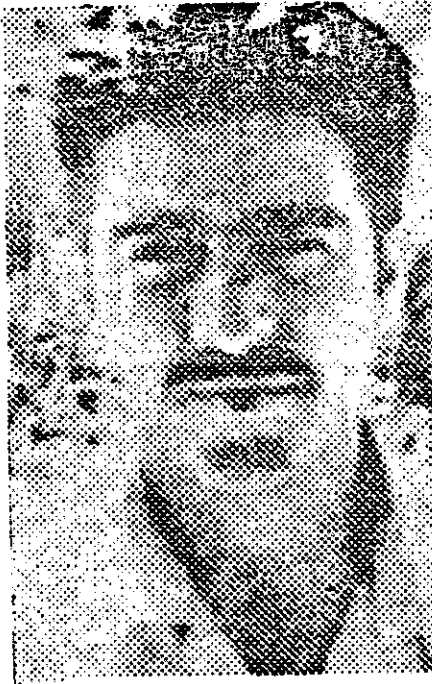
**عملیات پیشمرگه**

۱۴	کین و کنترل جاده
۱۵	زمین گذاری
۳۷	مقابله در برابر پیروش رژیم
۱۱	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۶	خلع سلاح پایگاه
۸	معادله و انهدام تاسیسات
۱۸	حمله به پایگاهها
۱۰۹	جمع

۴۳	شهادت پیشمرگه
۲۴	شهادت اهالی بی دفاع

**سهرکه و توبی بزوتنه وهی شورشگیرانه ی گه لی کورد**

# گرامی باد خاطره رفیق کبیر حمید اشرف و دیگر شهدای ۸ تیر



هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۵ ازیم  
ضد خلقی شاهنشاهی، با بسیج  
گنبرده نیروهای سرکوبگر خود  
و استقرار آنها در منطقه  
وسیعی از مهاباد تهران پایگاه  
رفیق حمید اشرفی و همسر زمان  
او را به محاصره درآورد. دلاوران  
فدائی در مقابله انقلابی با  
سزدوران جیره خوار رژیم،  
قبرستانانه به مقاومت پرداخته و  
همچون کوه، اسوار و پر صلابت  
ایستادند و ضمن سلطنت همتا  
در صفحه ۲۵

## سنت‌های دمکراتیک در کردستان و دمکراسی به شیوه مجاهدین!

در اواخر خرداد ماه  
گذشته، سائلی پیرامون برخورد  
به امر رفت و برگشت نیروها بین  
تشکیلات کهنه کردستان سازمان و  
مجاهدین خلق پیش آمد و منجر  
به برخورد هائی گشت که  
ضروری است، این امر بینه  
اطلاع عموم توده های زحمتکش  
خلق کرد و کلیه نیروهای انقلابی  
پسانده شود. چرا که مساله ای  
که اتفاق افتاده تنها منحصر به  
روابط فیما بین دو سازمان نبوده  
و نیست. امری است که با برخی  
مسائل مشخص جنبش کنونی و  
آماج و اهداف پیروزمان آن رابطه  
مستقیم دارد و در پیش گرفتن  
شیوه های عملی ای که مجاهدین  
بر این رابطه سعی در اجرای  
آن کردند، چیزی است که پیشه  
در دیدگاهها و برنامه آنها  
دارد. اعمال چنین شیوه هائی  
از سوی مجاهدین و یا هر نیروی  
دیگری نه تنها در شرایط کنونی  
جنبش انقلابی خلق کرد، بلکه  
حتی خیلی پیشتر از آن که  
مجاهدین پای در عرصه کردستان  
بگذارند، مورد قبول و تحمل  
هیچ نیروی انقلابی و دمکرات  
نبوده و نیست و مسلماً بعد از  
این نیز نخواهد بود. اقدامات  
و برخوردهائی از قبیل برخورد  
و اقدام مجاهدین خلق از نقطه نظر  
جنبش کنونی نه تنها محکوم و  
مطرد، بلکه کاملاً ارتجاعی  
محسوب می شوند. هر چند  
مجاهدین خلق در برخورد بینه  
در صفحه ۲۰

☆  
**خلق کرد پیروز است**  
جدول یک ماهه  
علیات پیشمرگان  
خلق کرد  
صفحه ۲۷

**اخباری از  
جنبش  
توده های**  
صفحه ۱۵

## نگاهی سه ماهه بر مبارزات توده های در کردستان (سه ماهه اول سال ۶۴)

جنبش انقلابی را به نابودی کشیده  
و حکومت سیاه زور و صبر نیسوزه  
خود را بر توده های انقلابی  
خلق کرد تحمل نماید، همواره  
با موجی از مقاومت و مبارزات  
توده ای مواجه بوده است.  
کارگران و زحمتکشان کردستان  
طی ۱ سال درگیری پرتوی روی،  
کسب تجارب عملی و به کار گیری  
آنها امروز به خوبی راه مقابله  
با شیوه های مختلف سرکوب را که  
رژیم برود آنان علیه جنبش  
انقلابی به کار می بینند،  
آموخته اند.  
در صفحه ۲۲

طی سه ماهه اول سال جاری  
اقتراضات و مبارزات توده های  
سردم کردستان ابعاد وسیعی  
پخش کرده است. این مبارزات  
که به طور روزمره در مقابله با  
سیاست های سرکوبگرانه رژیم  
جمهوری اسلامی جریان دارد هر  
چند به صورت پراکنده، لیکن  
در اشکال مختلف و بطور مستمر  
به سندی عظیم در برابر اجرای  
سیاست های ارتجاعی رژیم در  
کردستان مبدل گشته است.  
رژیم جمهوری اسلامی که تا کنون  
به شیوه های مختلف در مردم برآمده  
است تا بخشهایی از دستاوردهای

**صدای فدائی**  
موج کوتاه بردیلهای  
۶۵ و ۷۵ متر  
ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵  
دوازده